

دوام نزلت موجب استقرار دیگناتوری خواهد شد

کاندیداهای جبهه ملی برای مجلس خبرگان

جبهه ملی ایران با آگاهی کامل بر این نکته که در جوفعلی حاکم بر محیط سیاسی کشور امکان توفیق نامزدهای آن جبهه در انتخابات خیرگان غیر ممکن بنظر میرسد به لحاظ حفظ مصالح مملکتی و ایفای وظایفی که بمعده دارد، کاندیداهای خود را برای مجلس خبرگان از تهران معرفی کرده است.

آقایان دکتر مهدی آذر - مهندس کاظم حسینی - نصرت الهامینی - ابراهیم کریم آبادی - دکتر سعید فاطمی.

بالاخره پس از هفته‌ها کشمکش و گفت و شنود در زمینه مداخلات مقامات غیر دولتی در کار حکومت انقلاب و تلاش در تقلیل مراکز تصمیم گیری و پس از مسافرت‌های مکرر به قم و تشکیل جلسات گوناگون هفته گذشته آشی را که آقای نخست وزیر بقول خود پخته و قوام آورده بودند با هل و گلاب در آمیختند و به پیشگاه ملت ایران عرضه داشتند.

ماهیت و کیفیت آش را در جراید یومیه خوانده‌ایم و خلاصه آنست که مراکز تصمیم گیری و اجرائی با یکدیگر تداخل یافته‌اند و بدون آنکه مشخص باشد اعضای شورای انقلاب چند نفرند و چه کسانی از دولت به شورای انقلاب رفته‌اند همبقدر گفته شد که از این پس شورای انقلاب هم در دولت و هم در شورای انقلاب اکثریت دارد.

باین ترتیب استنباط می‌آید که حتماً اعضا شورای انقلاب هر یک واحد کالسف می‌باشند که با اضافه شدن پنج تن آنان در گروه بیست نفری وزیران بعد از اکثریت لازم را خواهند آورد مگر اینکه قبول کنیم قبل از این هم تعداد قابل توجهی از دولتیان در شورای انقلاب بوده‌اند.

از این ریزه کارها که بگذریم به یک اشکال اساسی دیگر بر میخوریم و آن تداخل مسئله نظارت و مباشرت در امر حکومت ملی است، چه قبلاً گفته شده بود که شورای انقلاب جانشین قوه مقننه است و دولت نیز وظیفه اصلی خود که مسائل اجرائی است را بمعده دارد بر این ترکیب و تداخل یکایک اصولی وارد است و آن لوث مسئولیت قوه مجریه در برابر قوه قانونگذاریست که بر مبنای حقوق اساسی پذیرفته شده نقش نظارت بر قوه مجریه را بر عهده دارد.

باین ترتیب تنها عامل اصلی در سازمان حکومت فعلی که تفکیک نظارت از مباشرت است منتفی گشته و دو کانون تقنین و اجرا در یکدیگر ادغام شدند که اگر به مناسبت حالت خاص انقلاب و با داشتن کمال حسن نیت به آسانی از آن بگذریم باید چشم براه و مترصد نتایج عالی این ترکیب میمون دولت و شورای انقلاب باشیم.

چون در حسن نیت آقای مهندس بازرگان و سازمانهای انقلاب تردیدی نداریم لاجرم می‌پذیریم که این اقدام که بر آن نام وحدت مرکز تصمیم گیری گذاشته شده است انشاءالله در این زمان حساس تاریخ به سود استقلال کشور کارگذار خواهد شد.

اگر حاصل کار این تلفیق



بازرگان - بچه‌ها حالا دیگه باید بیشتر کارکنین شاید انشاءالله بقیه اختیارات رو هم بگیریم!

فقط ۲۸ روز پس از نخستین بزرگداشت ۳۰ تیر فاجعه اتفاق افتاد

مراجع تقلید، احکام شورای نگهبان قانون اساسی را میتوانند و نتوانند



حضرت آیت الله خامنه‌ای

کارهای دانشگاه‌ها باید انقلابی‌تر باشند

★ ناظران بحران انرژی؛ جلوگیری از اشتهای مصرف نفت

الیکارشی در ایران خاندان علم سوپر خاندان استعمار در ایران



ابوالفضل قاسمی



کلماتی چون تحت رهبری بی نظیر و منویات - شایسته عصر انقلاب نیست، و دوران سیاه طاغوت را تداعی میکند

راه چاپلوسان و متملقین حرفه‌ای را ببندیم



کاظم خلخالی

فلسطین در پرتو حق و عدالت

شماره مخصوص پرخاش
کودتای ۱۳۳۲

چون روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ مصادف است با بیست و یکم رمضان ۱۳۹۹ هجری قمری درگذشت پیشوای آزادگان جهان مولای علی بن‌ابراہیم پرخاش در این روز منتشر نمیشود و بجای شماره ۱۹ و ۲۰ شماره مخصوصی خواهیم داشت در بیست صفحه شامل بررسی وقایع از ۲۵ تا ۲۸ مرداد.

این شماره استثنائاً "روز یکشنبه ۲۸ مرداد منتشر خواهد شد نمایندگان شهرستانها ضمن اعلام مصرف خود برای تنظیم گزارش وقایع این روز در شهر خودشان با دفتر روزنامه تماس بگیرند.

شناخت روشهای استعماری دول بزرگ بشکوه‌ای خاک فلسطین!

نظر حنیف نژاد درباره مبارزان ملی

در کنفرانس اخیر توکیو هفت کشور مهم صنعتی تعهد نمودند برای واردات نفتی خود تا سال ۱۹۸۵ بطور جداگانه سهمیه تعیین کنند. از جمله هدف های دیگر کنفرانس اینست که کلیه معاملات نفت خام را که از راه حراج آزاد انجام میگیرد به ثبت برسانند و منافع شرکت‌های نفتی را تحت نظارت و بررسی دقیق قرار دهند و از اعطای کمک‌های مالی (سپسید) جهت خرید نفت از خارج خودداری کنند و برای ذخیره کردن نفت که موجب صعود قیمت ها میشود حدی قائل شوند.

ایجاد هماهنگی در این هدف‌ها بر عهده هیئتی عالی‌مقام از نمایندگان کشورهای ما و کمیسیون بازار مشترک اروپا و اگدا گردید. این هیئت با سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که پایگاه آن در پاریس قرار دارد همکاری خواهد نمود.

دقیقاً "پس از بحران نفتی آورده شد تا با مسئله کمبود انرژی مقابله کند. این دستگاه که کمتر درباره آن تبلیغ شده ولی آمار و اطلاعات وسیعی در اختیار دارد، آژانس بین‌المللی نیرو نام دارد، و در ساختمان سازمان همکاری و توسعه اقتصادی واقع در خیابان فرانک ویل پاریس قرار گرفته است هفته پیش هیئت مدیره آژانس بین‌المللی نیرو تشکیل جلسه داد تا چگونگی اجرای دستورکار توکیو را بررسی کند. در میان ۲۰ کشوری که به این هیئت مدیره نماینده فرستاده‌اند تقریباً کلیه کشورهای طراز اول صنعتی اروپای غربی و کمیسیون اروپای و ایالات متحده آمریکا و کانادا و استرالیا و ژاپون حضور دارند. غیبت فرانسه در این گروه آهیم

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

راه چابلو سها و متملقین حرفه‌ای را ببندیم

عصر و دوران سیاه طاغوت و طاغوتیان برای خودش شیوه‌ها و قالب‌ها و لغاتی داشت که من و شما به کرات و مرات، بی‌جهت و با جهت آنهارا میدیدیم و میشنیدیم و چون به ماهیت و محتوای آنها آشنائی و وقوف کامل داشتیم و میدانستیم چقدر پوشالی، توخالی، کاذب و پوچ است وقتی آنها را میشنیدیم دور از چشم مأموران غلاظ و شداد ساواک و پلیس خفیه محمدرضاخانی بی‌اختیار پوزخند میزدیم.

آنچه ما در گذشته در رسانه‌های گروهی مثل رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها میدیدیم و میشنیدیم یا میخواندیم و تصویر میدیدیم در واقع اکثرًا "قلب حقایق و هذیان گوئی و پرت و سلا و لاف‌زنی با اصطلاح در غربت بود که بمنظور اغفال و مردم‌فریبی صورت میگرفت که اساسش بر منحرف ساختن افکار عمومی و دورنگاهدان آنان از واقعیت‌های بود که در کشور

جریان داشت، و بالاخره آنچه که در آن سالهای اختناق میشنیدیم و میخواندیم یک مشت دروغ پردازی بود که هدفش گول‌زدن خلق‌الله بود و بقول دوست طریقی که گفت مریض محتضری را پرسیدند حالت چطور است؟ پاسخ داد بقراریکه رادیو تلویزیون میگویند سالم بسیار بسیار خوب است!! این مقدمه‌های بود برای رسیدن به اصل مطلب که اکنون می‌آید:

باتوجه باینکه رهبرانقلاب بارها گفته‌است که انقلاب هیچگاه قائم به شخص من نبوده و نیست و اگر هم من مثل هر انسانی از میان بروم انقلاب حرکتش را ادامه خواهد داد، با چنین روحیه‌عالی و والائی باید گفت که بکارگرفتن این الفاظ و قالب‌ها و اصطلاحات که گذشته‌های سیاه و عصر چپاولگری و فساد و اختناق را در اذهان تداعی مینماید چقدر ناروا و ناپسند است و بوی فردگرائی و

شخص‌پرستی که اصولاً در اسلام منع شده و در عرف هم پدیده‌های بدی را بدنیاال خود می‌آورد از آن استشمام میشود که این کارها در خور دوران انقلاب نیست. چه این انقلابی است که همه مردم و قشر‌های مملکت در بوجود آوردن آن و سوق‌دادن آن نقش و سهمی غیر قابل انکار داشته‌اند.

مأموران و مسئولان اداری عصر انقلاب باین نکته توجه داشته باشند که تغییر نام اماکن بخاطر شخص امام و یا انواع دیگری از تملق‌های چابلو سها و خوش آمد-گوئی‌ها نه‌شایسته دوران و عصر انقلاب است و نه مصلحت رهبر انقلاب، چه اگر قرار باشد - همان سیستم‌ها و روش‌های معموله مبتذل آن دوران به‌نوع و شکل دیگر تکرار گردد پس تفاوت میان روزگار ما با عصر طاغوت چیست؟ در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی که به مقیاس قابل توجهی در ایجاد نارضائی و دلزدگی و عصبانیت

مردم نقش اساسی دارد مسئولان و مجریان برنامه‌ها سعی کنند حالاً که نمیتوانند و امکان آنرا ندارند تا چیزی به مردم ارائه‌کنند که قابل تحمل باشد لااقل بایکبار بردن آن کلمات و الفاظی که موجب میشد هربیننده و شنونده‌ای پیچ تلویزیون و رادیوی خود را ببندد نمک بر زخم مردم نپاشند، مردم هرگز فراموش نمیکند که در برنامه مصاحبه‌های توخالی و مبتذل گذشته هرقلتش سن دزد قطع‌الطریقی که کاملاً روشن بود هم اکنون از خوردن لاشه‌ای باز گشته و اثر خون بر روی لبهایش آشکار است بر روی صفحه تلویزیون ظاهر میشد و شروع میکرد رجز خوانی و تکیه بر آن داشت که تحت رهبری آریامهر فلان کارو بهمان طرح را انجام داده و مملکت را تا آنسوی دروازه تمدن بزرگ سوق داده است و به مفهوم دیگر تحت رهبری آنچه توانسته دزدیده و چاپیده و بیت‌المال را خدا-پسندانه (!) تاراج کرده است...

از: ناصر نجمی

بهر تقدیر فراموش نکنید که لغات و واژه‌ها و کلمات در ساختن و پرداختن شخصیت آدمیان و انسانها نقش عمده و اساسی را دارند و چه بسیار افراد که بر اثر معجزه کلمات و خوش‌مدگوئی‌ها و سوسه‌ها نام‌ها و عنوان‌هایی تغییر ماهیت میدهند آنها که آدم دم‌وکرات و خلیق و مهربان را به یک فرد مستبد و خود رای و خودکامه تبدیل مینمایند که بجای شفقت و مهربانی و رافت و عطف و احترام نهادن به حقوق و آزادی میل به استبداد و قانون شکنی و بی‌اعتنائی به حقوق و حیات دیگران میکند. پس - از معجزه و سوسه نام‌ها و کلمات تملق‌آمیز غافل نشویم و مرز احترام گذاشتن به بزرگان و پیش‌گامان را با چابلو سها و خوش خدمتی‌ها درهم نریزیم و بی‌جهت دیکتاتور و فاشیست نسازیم.

خاندان علم، سوپر خاندان استعمار

حدیث روشن من ظلم شما و ذلت ما حقیقت است چرا صحبت از مجاز کنم پروین اعتصامی

ابوالفضل قاسمی

خازم ابن خزیمه سردار را سیست تازی، دشمن بی‌امان ایرانی

یکی از خاندانهای خود فروخته، گماشته بیگانه، مزدور کهن امپریالیسم (خاندان علم) است که می‌توان او را (سوپر خاندان استعمار) دانست که در باره تاثیر و نقش این خاندان در فرمانروایی رژیم سیاه شاه مخلوع شاید همین بس باشد که (ژان لارته‌گی) نویسنده معروف فرانسوی در کتاب خود، او را اداره‌کننده شاه پیشین است. اینک ما این خاندان را از دیر زمان، از ورای قرون بشما می‌شناسیم.

اسلام، آئین آزادی و برابری، دگرترین تقوا و فضیلت است در برابر نیروهای اهریمنی جهانی چهارده سده پیش فقط نیروی آزاد بخش و حق طلب اسلام بود که توانست ابر قدرت‌ها را از پای در آورد. هنوز آرتش کوچک بی‌تجهیز اسلام به مرزهای ایران نرسیده بود مردم در آسیای میانه دل‌هایشان برای پیروزی اسلام می‌تپید آرزوی می‌کردند اسلام پیروز شود با این پیروزی بندهای بردگی و بهره‌کشی از دست و پای مردم اسیر نظام بیدادگری ساسانیان برداشته شود، راز پیروزی اسلام بر ایران یعنی در حقیقت برهیت حاکمه جبار همین است و بس.

مادراین باره فقط بیک تذکار تاریخی اکتفا می‌کنیم.

سعدوقاص در گزارش جنگی خود به خلیفه می‌نویسد (روزی که ماهه مدائن رسیدیم من پنجاه و دو هزار سرباز داشتم ولی چون روسای قبایل بین‌النهرین با مردان قبیله خود بما پیوستند شماره سربازان اسلام به یکصد و هشتاد و هشتاد رسید) یعنی بیش از ارتش اسلامی، مردم ناراضی به مسلمانان پیوستند و جنگ آرتش اهریمنی ساسانیان رفتند.

از همان روزهای آغاز پیروزی مثل همه جافروست طلبان و دشمنان اسلام، شغلهای اپورتونیست به خم رنگری رفتند در پوست طاووس علیین به انحراف اسلام کوشیدند.

قویترین جناح ضد اسلامی (امویان) بودند که پس از اندک مدتی به مردم چیره شدند.

پای بنده هیچ اصلی نبودند امویان پای بند هیچ اصلی از اسلام و نظام انسانی آن نبودند هدفشان از پیوستن به اسلام، چیرگی بر جان و مال و هستی مردم بود. بنیاد فرمانروایی آنها بر تهدید و تطمیع استوار بود، حکمرانان اموی با پول و زور مخالفان را ساکت و آرام می‌کردند. معاویه مقرر می‌شد که بن جعفر پسر عموی امام حسین (ع) را از یک میلیون به چهار میلیون بالا برد ولی اگر کسی دم از مخالفت با رژیم می‌زد او را در سختترین تنگناهای مالی قرار میدادند بطوریکه از تهیه نان و آب خانواده‌های خود در میماند و کارش بگرسنگی میکشید و اگر هم کسی مانند حجر بن عدی خود را نمی‌فروخت او را با فجیعترین شیوه می‌کشند. این نظام بیدادگری هزار ماه بطول انجامید تا سرانجام مردم حق طلب بویژه ایرانیان مسلمان که دل‌پر خونی از فجاج امویان علیه علویان داشتند پایه قیام و عصیان بزرگ و عمیقی را بنیاد نهادند و بجنگ امویان رفتند.

سردار خاوران

در وصیت‌نامه ابوبکر امام راستین ماعلی امیر المومنین (ع) به فرزندش محمد حنفیه درباره انقراض فرمانروایی امویان می‌نویسد زمان این اضمحلال راهنگام حکومت مروان اموی تعیین می‌نماید و سپس خاطر نشان می‌کند کسانی که خواهند توانست اساس این رژیم را واژگون کنند مردم مکه و مدینه شام و مصر و فارس و خوزستان نیست این انقلاب شما باید از خراسان آنهم از حدود مرو و مروالروند و ابوردو نسا، آغاز شود. این مردم درگزو خاوران هستند که می‌توانند هزارها فرسنگ زمین را زیر پا گذارند همه جا را بگشایند به دوران سیاه و بیدادگری امویان پایان بخشد در کهنترین و معتبرترین اسناد و کتاب‌های خطی این خبر آمده است چنین هم شد طوفان حق طلبانه مسلمانان ایران زمین روز ۲۱ جمعه رمضان ۱۲۴ هجری روز شهادت امیر مومنان علی از خراسان آغاز شد

سیاه جامگان خاوران در پیشاپیش این شورشیان قرار داشتند در اندک مدتی همه ستم‌دیدگان و محنت‌زده‌ها هواخواهان رزمند و پرباور علویان به ابومسلم فرزند دل‌آور و تابعه بزرگ خاوران پیوستند او چون نیای بزرگش (آرساک) که یونانیان استعمار طلب را از سر بر قدرت ایران دور کرد توانست اسلام را از گیر پیچک‌ها و عشقه‌هایی که بر شاخ و بال اسلام پیچیده بودند برهاند.

ابومسلم فرزند آگاه خراسان خاندان عباسیان را می‌شناخت و می‌دانست آنان مسلمان واقعی پیرو استوار قرآن نیستند، چندان پای بند به مواثیق نمی‌باشند اگر قدرت رسیدند چندان پرهیزی از کردارهای ضد انسانی و ضد اسلامی نخواهند داشت از اینرو ابتدا اصرار داشت (حضرت جعفر صادق) پیشوای ششم شیعیان، رهبری سیاسی مردم پیروز مندر را بپذیرد ولی خلاء سیاسی راه را برای رسیدن عباسیان به خلافت فراهم ساخت ابوالعباس (عبداله سفاح) نواد همان عبدالله فرمانده خیانت پیشه امام دوم در زمان معاویه بر تخت فرمانروایی نشست.

نژاد گزایان عباسی در خاندان علم

عباسیان با اینکه میدانستند اگر یاری و مبارزه مسلمانان غیر تازی نمی‌بود آنها هرگز نمیتوانستند دشمن را سرکوب کنند و بقدرت برسدند همان ابتدا شیوه‌ای را پیش گرفتند که نیروی سرداران و فرمانروایان بدو گروه بخش شدند.

گروهی اعتقاد داشتند که خلفای عباسی باید قدم جای پای خلفای نخست اسلام و (علی ع) مظهر کامل برابری و آزادی و عدالت انسانها بگذارند و خداوند متکرار خدا و خلق خدا باشند، در راس اینان (ابو سلمه وزیر آل محمد) و (ابومسلم امیر آل محمد) قرار داشتند.

ولی گروه نایکار و مخفی قدرتمند دیگر وجود داشتند که در راس آنان (منصور عباسی) برادر خلیفه قرار گرفته بود آنان حکومت را بویژه (تازیان)

میدانستند برنامه اصلی‌شان این بود که مسلمانان غیر تازی بویژه شخصیت‌های برجسته آنان را نابود سازند حکومت اسلامی عباسیان را تبدیل به حکومت نژاد گزای تازی کنند.

از برجستگان این گروه تازی گزای مخفی (خازم بن خزیمه) بود که ابتدا او راه خراسان فرستادند تا با اندیشه اهریمنی خود چوب لای چرخ (سیاه جامگان) خراسان گذارد و مانع پیشرفت ابومسلم گردد.

روش ماکیاویلی

از ویژگیهای این خاندان روش ماکیاویلیستی سیاست این وقتنی است تا هنگامی که کسی را قدرتی است مودیان می‌کوشند از موقعیت او برای خود بهره‌گیری کنند، در عین حال هدف ریاکاری ناکباری و از پشت به دشمن خنجر زدن را از دست نمیدهند.

خازم وقتی به خراسان آمد و خواست بر بنیاد (اندیشه نژاد گزایی) بجنگ اسلام و ایران برود دید بقول عوام (مسجد جای... نیست) از اینرو مودیان با حفظ روابط پنهانی باراسیست‌های تازی خود را به سیاه جامگان نزدیک کرد.

سیاست ابومسلم در جنبش ضد اموی این بود همه نیروهای مخالف را بسوی خود کشاند و وجوه اشتراک و مثبت آنرا در نظر گیرد، نه دنبال نقاط ضعف و منفی باشد.

بنابراین از وجود (خازم) نیز با احتیاط برای کارهای نظامی و قلع و قمع مخالفان استفاده می‌کرد چنانچه در نبرد (مرورود) از شقاوت و جسارت خازم استفاده کرد و دشمنان را سرکوب ساخت، خازم پس از پیروزی در این نبرد (خزیمه) پسرش را با گروهی بعنوان مژده گشودن مرورود نزد ابومسلم می‌فرستد، کارهای خازم از همین حدود تجاوز نمی‌کرد.

و همه میدانیم این ابومسلم و سیاه جامگان خراسان بودند که شهرها را یکی پس از دیگری گشودند، فرسخها راه را طی کردند، خود را به مرکز خلافت امویان رسانیدند و عباسیان را بر تخت قدرت نشاندند.

خبرنگار پر خاش افشاهی کند

نامه آقای حاج سید - فخرالدین موسوی رئیس کمیته غازیان را درستون شهرستانها مطالعه نمودم اول اینکه آقای سید فخرالدین اینجانب را ضد انقلاب قلمداد نمودند و از حضور ایشان می‌خواهم که این صداقلابی خواندن اینجانب را ثابت نمایند وگرنه شکایتی از علیه ایشان تسلیم دادگاه خواهم نمود که چرا به چه عنوان با حبسیت افراد بازی میکنید دوم اینکه آقای سید - فخرالدین اظهار داشتند که اینجانب از کمیته اخراج گردیده‌ام هیچ‌به این صورت نبود من هم مثل بقیه برای حفظ انقلاب در کمیته خدمت مینمودیم مثل بقیه از ترس آبرو استعفا نمودیم چونکه این شایعه بقدری در شهر قوت پیدا نموده بود که در کمیته مبلغ هنگفتی پول خورده شده است دیگر اینکه از آقای حاج سید فخرالدین سوال مینمایم که چرا در نامه ایشان اسمی از آقای بنی یعقوبی نبرده‌اند که این شایعات از ایشان سرچشمه میگردد و سؤالی از نماینده امام در این شهر و دادگاه انقلاب که چرا اقدام به دستگیری این شخص نینمایند و این شخص زمین‌های مردم بیچاره را بزور از ایشان میگرفت و از این راه صاحب میلیاردها تومان پول گشته است و با رژیم سابق دست داشت و یکی از طرفداران رژیم سابق بود حال این شخص چندین شکایت دارد چرا آقای سید فخرالدین موسوی که این مدت رئیس کمیته بود اقدام به دستگیری این شخص نکرد و حال هم این شخص آزادانه در شهر میگردد ولی کسی نیست که جلوی او را بگیرد مگر آقای سید فخرالدین می‌ترسد واقفیت برای این مردم روشن شود پس ما از آقای سید فخرالدین میخواهیم که اقدام به دستگیری این شخص بنمایند تا این شایعه برای مردم و پاسداران روشن شود و اگر این شخص پولی نبرد اختیاست این موضوع روشن میشود که این شایعات صحت نداشته است.

بندر انزلی احمد نیکام

خاطره‌ای از ۳۰ تیر ۳۱ - ۳۰ تیر ۲۲ - ۳۰ تیر ۵۸

از مقالات رسیده

"سپیدار"

درست مثل دیروز!

فقط ۲۸ روز پس از نخستین بزرگداشت سی تیر فاجعه اتفاق افتاد.

*** آنها که زیر ماسک وحدت شمشیرهایشان را جلا میدهند و برای هم چنگ و دندان نیز می‌کنند .**
*** یکپارچگی سی تیر ، معلول ابتکار خود مردم بود .**
*** تاریخ دارد دقیقاً "تکرار میشود خدا کند ، پایانی متفاوت با گذشته داشته باشد .**

امسال ، پس از بیست و شش سال ، یکبار دیگر مردم ایران طی مراسمی شکوهمند ، جانبازی قهرمانان سی تیر را ستودند و یاد شهیدان این روز بزرگ خون و پیروزی را گرامی داشتند . یکبار دیگر ، سال ۱۳۳۲ مردم با همین شکوه و هیجان ، چنین آئینی برگزار کردند . و از شکفتن‌های روگار اینکه ، آتمسفر سیاسی آن زمان نیز ، دقیقاً وضعی مشابه امروز داشت . در حالیکه دهها و صدها حزب و گروه و سازمان زیر شعار واحد "تجلیل از شهدای سی تیر" گرد آمده بودند ، در خفا شمشیرهایشان را جلا میدادند و برای همه چنگ و دندان نیز میکردند . همینکه روز بزرگداشت سیری شد ، باز هم بجان یکدیگر افتادند و همین تشتت و افتراق بدشمن زخمگین و کمین کرده فرصت داد تا بیست و چند روز بعد (۲۸ مرداد ۳۲) شرنگ کودتا را در کامشان بچکانند و خاطره قهرمانان و شهیدان سی تیر را تا بیست و پنج سال بعد ، از یادشان ببرند .

دیروز عصر که چهره‌های پرشور و صمیمی جوانان را با آنهمه صداقت و هیجان میدیدیم که اعم از مذهبی و غیر مذهبی ، جنبه ملی و چریک فدائی ، توده‌ای و مجاهد ، دوشادوش هم شعار درود بر خمینی و مصدق سر میدهند ، بیاد آنروزها افتادم و افسوس خوردم .

وقتی مراسم پایان یافت و گروهها جدا جدا پراکنده شدند و بار دیگر شعارهای تند و انحصارطلبانه هریک بگوشم خورد ، بیشتر افسوس خوردم . دیدم که تاریخ دارد دقیقاً "تکرار میشود . خدا نکند که آخر و عاقبتی چون مراسم بیست و شش سال پیش داشته باشد .

دیروز هم از "وحدت" سخن می‌گفتند . اما خود گویندگان نیز میدانستند که حتی همان شعارهای وحدت و یکپارچگی نیز بوی افتراق و جدائی میدهد . این وحدت اگر از طرف افراد عادی و توده‌های مردم عملی باشد (که هست و نظیرش را روز سی ام تیر ۳۱ ، روزهای تاسوعا و عاشورا و روزهای انقلاب دیدیم) از طرف رهبران و آنها که یگانگی مردم را بسود خود نمی‌دانند میسر نیست .

بگذارید با یک شاهد مثال ، موضوع را روشنتر کنم : اینکه دیروز همه می‌گفتند : مردم بر اثر وحدت و یکپارچگی حکومت "کشتیبان" را با "سیاست دیگر" ش بگورستان تاریخ فرستادند ، البته درست است ، ولی وحدتی "خودساخته" که رهبران در آن نه فقط " دخالت " بلکه از آن "اطلاعی" هم نداشتند .

صبح ۲۵ تیر که اعلامیه "کشتیبان را سیاستی دگر آمد" از رادیو پخش شد و سکوتی سنگینی و مرگبار فضای طوفانی و پرشور شور ایران را فرا گرفت ، با توافق مسئول مربوطه ام (که از چهره‌های سرشناس سازمان جوانان حزب توده ایران بود ، و بعدها به عضو فعال ساواک تبدیل شد) از خیابان می‌گذشتیم ، چند عابرفرسره و اندوهگین که ظاهری بازاری داشتند ، از کنارمان گذشتند . یکی از آنها با اشاره بروزنامه‌ای که دست من بود آهسته گفت : "زنده باد شاهد!"

مسئول روزنامه را از دست من گرفت ، باز شد و در حالیکه عنوانش را نشان میداد ، با غرور و خوشحالی گفت :
- "شاهد" دیگه مرد! زنده باد "یسوی آینده!"

تفلک ها یخ کردند . ساکت و افسرده از کنارمان گذشتند اما در من طوفانی برپا شده بود . آیا واقعیت امر همین نیست ؟ آیا ما (توده‌ایها) از سقوط دکتر مصدق خوشحال نبودیم ؟ آنروز جرات نکردم به مسئول اعتراض کنم . چون در دل نسبت به جنبه ملی و بطور کلی بورژوازی ملی و اپوزیسیون غیر چپ - که به شدت ضربه خورده بود - احساس همدردی میکردم . حزب توده سکوت کرده بود . آنروز و روزهای بعد . انگار منتظر بودیم تا مخالفان سیاسی ما بدست قوام و شاه قتل عام شوند . اعلامیه قوام نیز لبه تیز حمله‌اش متوجه آن جناح بود . انگار بین او و رهبران حزب برای سرکوبی مصدق و طرفدارانش تهبانی شده بود .

فقط شب سی ام تیر بود که روزنامه شهباز - ارگان علنی حزب توده - شعار "جنبه واحد" را عنوان کرد ولی این شعار تا از طرف شاخه‌ها و شبکه‌های حزبی به افراد ابلاغ نمیشد ، اجرا شدنی نبود . در داخل حزب ، توده‌های حزبی بیتابی میکردند و مسئولان وقت کشتی و وقت گذرانی .

صبح سی ام تیر - صبح خیلی زود - از خانه خارج شدم . هرکار کردم نتوانستم با مسئول تماس بگیرم . بدون دستور او هم هیچ کاری از من ساخته نبود . نمیدانستم جواب پنج نفر مسئولان شاخه را که منتظر دستور من بودند و صدها نفر دیگر را که در انتظار دستور آنها بودند چه بدهم .

آنچه مسلم بود اینکه ، نمیتوانستم در قبال حوادثی که شروع شده بود ، در برابر جنگهای خیابانی ، کشتار مردم کوچه و بازار بی تفاوت بمانم . . . آخرین نتیجه‌ای که تا ساعت ۹ صبح از دوندگی‌هایم گرفتم ، یک قرار تماس برای ساعت دو بعد از ظهر بود . ولی تا آنساعت کار از کار می‌گذشت . در خیابانها سیل خون جاری بود . . .

با توافق چهار نفر از هم‌زمانم که آنها نیز وضعی چون خودم داشتند ، تصمیم قطعی را گرفتیم . ما افراد زیر دست خود را تسبیح می‌کنیم و به خیابان می‌فرستیم . "بالا" می‌خواهد خوشش بیاید ، یا نیاید ! شعارمان نیز "مرگ بر شاه خائن" و "مرگ بر قوام" خواهد بود . شعارهای نزدیک به جنبه ملی ، بدون اینکه بتوانند بر جیب "دنباله‌روی" بهمان بزنند .

پیدا بود که میدان اصلی نبرد ، منطقه بازار است . از هم جدا شدیم ، و هرکدام با افراد زیر دستمان از جهت های مختلف راه بازار را در پیش گرفتیم . البته همه مهماتی را نیز که برای جنگهای خیابانی و مقابله با پلیس در خانه پنهان کرده بودیم ، بین افراد تقسیم کردیم (مهمات ما چویدستی‌های بریده ، بسته‌های زرنیخ و فلفل و نمک برای پاشیدن به صورت و چشم پلیس ، پنجه بوکس و مانند اینها بود که فقط در اختیار افراد "گارد" قرار می‌گرفت و ما پنج نفر نیز جزء گارد سازمان جوانان بودیم) .

قرار شد همراه "جنبه‌های ها" بجنگیم . و طبعاً پیشاپیش آنها . باید با حمله به پلیس ، جسارت آنها را برانگیزیم . زیرا مادر نبردهای خیابانی کارگشته شده بودیم . قرار ساعت دو بعد از ظهر "کان لم یکن" شد ، همراه جمعیت تا آخر شب می‌جنگیدیم و لحظاتی قبل از ساعت منع عبور و مرور یکدیگر را می‌دیدیم . روز بیابان رسید ، با نتیجه‌ای که همه میدانیم . گروه من یک نفر تلفات داده بود . جوانی بنام "صابر" آذربایجانی بود و عضو حزب هم نبود ، سمپاتی‌زبان و همسایه خانه بخانه ما بود . پشت شهرداری هنگام برتاب زرنیخ و باروت بداخل کامیون ، گلوله بسرش خورد و مغز متلاشی شده‌اش بصورت من که درست در کنارش بودم پاشید .

در جلسه شبانه دانستیم که همه بچه‌ها خوب جنگیده بودند . همه از غرور و افتخار بخود می‌بالیدیم و از عکس العمل مقامات "بالا" هیچ خبری نداشتیم .

فرمای آنروز هنگام دادن گزارش ، با توبیخ مسئول مربوطه روبرو شدیم . شما باید بهر قیمتی شده بود ، کسب تکلیف میکردید . . . اینگونه اعمال خود سرانه برای تشکیلات خطرناک است . . . میدانید اگر تلفاتی میدادید چه مسئولیتی گردنگیرتان میشد . . . ؟ (خوشبختانه صابر عضو رسمی حزب نبود) آمدیم و قیام به نتیجه نرسید . . . شاید اصلاً "رفقای کمیته مرکزی نظر دیگری داشتند . . ." و مانند اینها . . .

بعدها خبر شدم که سایر بخش‌ها و شبکه‌های سازمان جوانان نیز ، عموماً "خود سرانه" و بدون اطلاع کمیته‌های بخش و شهرستان یا کمیته مرکزی ، در قیام شرکت کرده و تقریباً رهبری رزمندگان بی تجربه کوچه و خیابان را به عهده گرفته بودند .

اگر چنین نبود ، شاید جسارت و خود سری من واقعاً "برایم گران تمام میشد و کار بدادگاه و محاکمه" حزبی می‌کشید . اما دستگاه رهبری که در برابر عمل انجام شده قرار گرفته بود . ناچار شد با فرستادن تشویقنامه بر "ابتکار عمل رفقا" صحنه بگذارد . البته با این تذکره در آینده سعی کنیم بهر ترتیب شده ، "رفقای بالا" را در جریان کارهایمان بگذاریم . دلیلشان نیز این بود که شاید حزب میخواست دست به اقدام مهم‌تری بزند (مثلاً "قیام مسلحانه و حتی کودتای نظامی) . اما این توجیه برای من قابل قبول نبود . با توجه به گوشه چشمی که قوام السلطنه به مسکود داشت ، سازش بین حزب توده و قوام چندان هم غیر عادی و باور نکردنی بنظر نمی‌رسید .

حقیقت این است که ما (یعنی دستگاههای رهبریمان) با یکدیگر بیشتر می‌جنگیدیم ، تا با رژیم و دستگاهش . امروز ، که این یادداشتها را می‌نویسم ، واقعاً "افسوس می‌خورم که چرا روز ۲۸ مرداد ، فریب "بالا" را نخوردم .

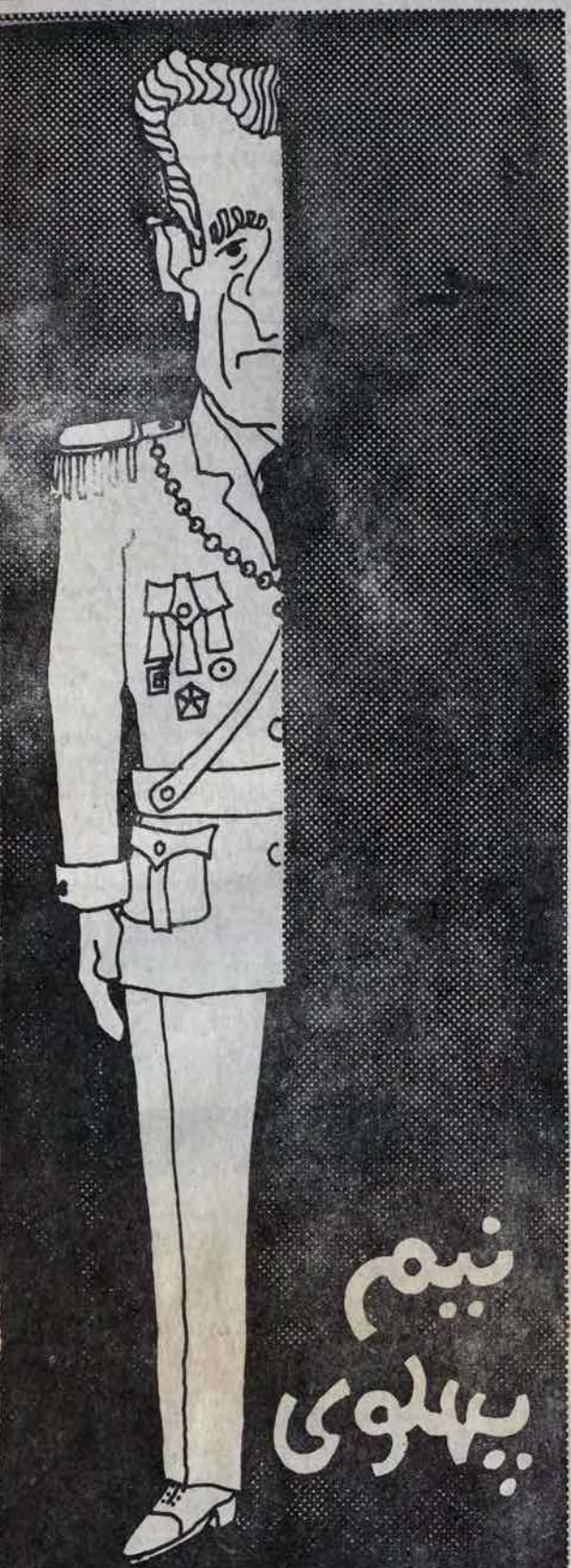
آنروز - تا چند روز و چندماه بعد - کمیته مرکزی و دستگاه رهبری همه نیروهای سازمان را فلج کرده بود . قرار تماس های یک ساعته و دوساعته ، از این خیابان به آن خیابان و از این خانه به آن خانه . . . و هر لحظه در انتظار اینکه الان اسلحه و دستور میرسد و دست به کار میشویم . و این وقت کشتی و سرگردانی آنقدر ادامه یافت ، تا دستگاه کودتا کاملاً "بروضاع مسلط شد . آنوقت ما را گروه گروه به میتنگهای موضعی شبانه در خیابانها و پس کوچه‌ها ، یعنی در حقیقت دست و پا بسته بکام پلیس می‌فرستادند .

تفلک ، توده‌های پائین حزبی که وجودشان سرشار از صمیمیت و صداقت است و دیروز بار دیگر این صداقت را در چهره همه آنها - اعم از چپ و راست ، مذهبی و غیر مذهبی - دیدم که ایکاش اندکی از آن در وجود رهبرانشان می‌بود .

یکشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۵۸

تسلیمت بحضور حضرت آیت‌الله خادمی درگذشت حجت‌الاسلام دالمسلمین آقای حاج آقا شمس‌الدین خادمی امام جماعت مسجد حاج رسولی‌ها و دروازه نور بحضور برادر معظم ایشان حضرت آیت‌الله خادمی تسلیم می‌گوشیم .

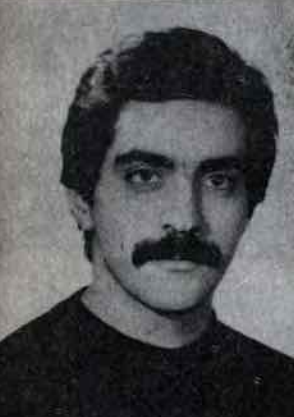
کارکنان سرپرستی پرخاش در اصفهان



نیم پهلوی

آخرین کار نوذیر و انبش در ایران

آقای مهندس نوذیر و انبش همکار جوان و پرشور پرخاش که خوانندگان عزیز با کارها و طرحهای ایشان در دوره جدید پرخاش آشنا هستند با سپردن آخرین طرح خود بعنوان نیم پهلوی بقصد ادامه تحصیل راهی آمریکا شدند ضمن ابراز تاسف از قطع موقت همکاری ایشان توقع داریم چنانچه وعده داده‌اند با ارسال کارهای جدید خود رابطه خود را با خوانندگان پرخاش محفوظ دارند . سلامت ایشان را روز داریم .



بقیه شناخت روشهای استعماری

از زمین زندگی کنندوز هر رنگ و نژادی باشند بی ارزش و کوچک بدانند . اروپائیان علاوه برداشتن کبر و نخوتی که تنها خود را دوست بدارند و دیگران را تحقیر کنند نسبت بجهان اسلام نظر دیگری هم داشتند که از مرحله خودخواهی و تحقیر دیگران گذشته بیک دشمنی عمیق مبدل شده بود . کینه دائم و مسموم کننده که روح آنها را مانند خوره تپاه میساخت سبب شد بر خورد شدیدی میان اروپائیان متحد از یکطرف و اسلام از جانب دیگر پدید آید یعنی جنگهای صلیبی بوقوع پیوندد . وقوع جنگهای صلیبی مقارن زمانی بود که خورشید تمدن اروپا تازه طلوع میکرد - حس کینه و دشمنی شدید نسبت بمسلمانان از همان زمان در روان تمدن اروپائی ریشه دواند . گرچه پیش از پیدایش جنگهای صلیبی برخوردهای دیگری هم میان مسلمانان و اروپائیان رخ داده بود مانند پیشروی اعراب بسوی (صقلیه - آندلس) و پیا هجوم آنان بجنوب فرانسه) لکن این جنگها پیش از بیداری و نهضت اروپائیان بوقوع پیوسته بود - و بخاطر همین جنگها بود که اروپائیان با استفاده از تمدن و فرهنگ اسلامی بیک سلسله نتایج مفیدی دست یافته بودند . ولی جنگهای صلیبی از این جهت دارای اهمیت میباشد که موقعیت اروپا را در قبال اسلام در ۶ قرن متوالی بعدی تعیین کرد . زیرا جنگهای صلیبی برای اروپائیان مستاصل کننده بود - چون در زمانی اتفاق افتاد که اتحاد و یگانگی اروپا مراحل کودکی خویش را طی میکرد . در اثر فشار جنگهای صلیبی بود که خصوصیات اتحاد و اطمینان میان ملل اروپا ظاهر میشد و همواره رو بتحول و پیشرفت بود که در نتیجه اروپا را مبدل بیک روح واحد میساخت .

پیارو گفتگو

مراجع تقلید احکام شورای نگهبان قانون اساسی را می‌توانند و نتوانند

مطابق با شریعت اسلام و تسبیح نبود باید مراجع تقلید بتوانند در حین همان مدت چهار سال ایشان را تعویض کنند.

س - در پیش نویس قانون اساسی شورای نگهبان قانون اساسی پیش بینی شده است که اعتراضاتی به تعداد، نحوه عمل کرد، روش انتخاب این افراد شده است نظر حضرت عالی در مورد این ماده از پیش نویس قانون اساسی چیست؟

ج - حکم این شورا باید توسط مراجع تقلید و تو شود.

س - نظر حضرت آیت الله در مورد نقش روحانیت در صحنه سیاسی آینده ایران چیست؟

ج - روحانیت بیست خود را دارد، ارشاد و هدایت خلق و در آینده هم غیر از این نخواهد بود.

س - با وقت آن نرسیده که با الحلال کمیته‌ها اختیار کارها را بدولت واگذار کنیم.

ج - دستگاه‌های دولتی در حال حاضر چنان قوی نشده‌اند که این عمل میسر شود.

س - در مورد عفو عمومی که از طرف امام صادر شده است چه نظری دارید و چرا در اصفهان هنوز اجرا در نیامده است؟

ج - تازه امروز صبح باصفهان ابلاغ گردیده است (قابل تذکر است که این مصاحبه در روز دوشنبه ۵۸/۴/۲۵ صورت گرفته است)

س - بعنوان آخرین سؤال: مدت کمی به تعیین و تشکیل مجلس خبرگان باقی مانده است، حضرت آیت الله شخصاً چه کسانی را کاندید برای مجلس می‌کنند و آیا اگر وظیفه شرعی به عهده ایشان گذاشته شود قبول مسئولیت خواهند کرد؟

ج - حالا ببینیم چه پیش می‌آید، اصرار زیاد بمن شده است، منم استخاره کردم خوب و ترک آن بد آمد بهتر حال بامید خدا.

س - پس من می‌توانم بویداین راندم که حضرت آیت الله خادمی برای مجلس خبرگان برابر وظیفه شرعی خود را کاندید نموده‌اند.

ج - بله.

کفتوکار: اکبر داودی



بوی کل را از که جونیم؟ از کلاب

در هزار شیندای سی ام تیر مدیر پرخاش را در میان فرزندان پیشوا، مهندس احمد و دکتر غلامحسین مصدق می‌بینید، طرف چپ آقایان انگلی نایبده فراکسیون نیت ملی و دکتر سعید فاطمی قرار دارند.

یاد داستی از آقای نصرالد

امینی یار و وکیل دکتر مصدق

کسی که درس آزادی به مردم جهان داد

من این افتخار را دارم که جزو افراد معدودی بودم که در تبعیدگان بزرگوار مرد یعنی احمد آباد که امروز مطاف ایرانیان پاک نهاد است حداقل ماهی یکبار توفیق زیارت ایشان نصیب میشد بعداً که بمناسبت کسالت مزاج و اینکه طبیبی را سرطان دهان تشخیص داده بودند رژیم موافقت کرده بود ایشان با مراقت ماموران ساواک به شهر منتقل شوند. باز هم مرتباً چه در بهارستان نجمیه و چه در منزل آقای دکتر غلامحسین مصدق سزایرتشان میرفتم.

در اوایل اسفند ۴۵ که کسالتشان رو بوخامت میرفت روزی بمن فرمودند چون تو وکیل من هستی حالا هم بتو میگویم که وصیت نامه من در این نقشه بالای سرم چیست من وصیت کرده‌ام بعد از مرگ مرا به..... (در اینجا تاملی فرمودند و نام این بابویه از یادشان رفته بود، من عرض کردم: عمرت در از یاد تویم چو روزگار چندان بمن که چشم من از خاک برکتی گویا تیرا " این بابویه فرموده بودید فرمودند همانجائی که مدفن عده‌ایست که محض خاطر من و برای نجات وطن خود را به کشتن دادند. گفتن بله همانجا این بابویه است و آن قسمت به گورستان شهدای سی تیر موسوم است فرمودند بله همانجا و پهلوی آنها من با اتفاق دوست ارجمند و مبارزم آقای ابراهیم کریم آبادی ترتیب این کار را محرمانه و بوسیله آقای جلوه که متصدی آنجا بود دادیم ولی پس از رحلت ایشان دولت وقت اجازه نداد وصیت نامه به مرحله اجری درآید و تاگزیر در احمدآباد به امانت گذاشته شدند.

حالا که مردم ایران محل تبعید و مزار وقت ایشان را زبانه خود میدانند از فرزندان عزیزشان توقع اجرای وصیت و انتقال آن را بهر از پیدا داریم. خدایش رحمت گناه که درس آزادی و آزادی و رهائی از چنگال دیو استعمار را به مردم استعمار زده شرق آموختند. طوبی له و حسب ماب نصرت اله امینی

عینی از اعضای آژانس بین‌المللی سرواژ لحاظ مغفل

سال قبل درست در چنین روزهایی بود که مردم به عنوان اعتراض به دستگیری آیت الله طاهری در این محل متحصن شده بودند. همیستی و تداوم حرکت اعتراضی این خلق قهرمان بیست و نهم روز را بر لوزه در آورد تا جائیکه در اولین شب ماه مبارک رمضان اعلام حکومت نظامی کرد و با یک حرکت قهرآمیز دهه‌ها نفر از جوانان غیور این شهر را با خاک و خون کشید. و اینک من بآن خانه می‌روم جائیکه هر گوشه‌اش بیاد آورنده، خاطرات تلخ و شیرینی از زمان انقلاب است مکانیکه نظاره‌گر بر پریشدن نوکلهای رشید انقلاب در سند شهادت بوده است، و آنچه در زیر می‌خوانید حاصل گفتگویی است با ساکن این بیت، حضرت آیت الله حاج سید حسین خادمی

س: حضرت آیت الله مطلع شدید که جنیدی قبل سعری به مشهد تشریف برده بودید و در ضمن با امام هم ملاقاتی داشتید آیا این مسافرت صرفاً بمنظور زیارت بود یا اینکه مسائلی مورد رنجش خاطر شما را فراهم ساخته بود در ضمن در ملاقاتتان با امام چه مسائلی مورد مذاکره قرار گرفت.

ج - سفر به مشهد فقط به منظور زیارت و رفع خستگی ناشی از کار زیاد بود و در ملاقاتتان با امام هم بیشتر مسائل جاری کشور و مسائل کلی پیش نویس قانون اساسی بود که مورد مذاکره قرار گرفت.

س - مدتی است که از انتشار پیش نویس قانون اساسی می‌گذرد و طبیعتاً اظهار نظره‌های متفاوتی بدینال داشته است نظر حضرت عالی بطور کلی در مورد این زیر بنا برای قانون اساسی آینده ایران چیست.

ج - قانون اساسی جمهوری اسلامی باید مطابق با شریعت اسلام و قوانین الهی باشد در این پیش نویس در مورد قوای سه گانه صحبت شده که طبق آیه، « ان الحکم الی الله » چون حکومت خدا بر مردم است نه حکومت مردم بر مردم و نه حکومت طاغوت بر مردم حکم فقط از خداست و قوه، مقننه نقشی نخواهد داشت. جمهوری در دنیا زیاد است ولی جمهوری اسلامی ایران اضافاتی بر جمهوریهای دیگر دارد. قوانین اسلامی باید در زمان اتمه بوسیله، اتمه و در زمان غیبت امام بوسیله، نایب امام و مراجع تقلید شیعه اجرا شود. البته مجلس شورا باید که وجود داشته باشد چون قوانینی وجود دارد که باید مطابق شرایط روز تطبیق داده شود. تمام احکامی که در این پیش نویس نوشته شده مانند مدت ریاست جمهوری الزامی نیست اگر عمل ایشان

س - بعد از آن نرسیده که با الحلال کمیته‌ها اختیار کارها را بدولت واگذار کنیم.

ج - دستگاه‌های دولتی در حال حاضر چنان قوی نشده‌اند که این عمل میسر شود.

س - در مورد عفو عمومی که از طرف امام صادر شده است چه نظری دارید و چرا در اصفهان هنوز اجرا در نیامده است؟

ج - تازه امروز صبح باصفهان ابلاغ گردیده است (قابل تذکر است که این مصاحبه در روز دوشنبه ۵۸/۴/۲۵ صورت گرفته است)

س - پس من می‌توانم بویداین راندم که حضرت آیت الله خادمی برای مجلس خبرگان برابر وظیفه شرعی خود را کاندید نموده‌اند.

ج - بله.

کفتوکار: اکبر داودی

اصفهان - سالهای پیش وقتی آقای اصغر سعید در دفتر جمع و جور کردن اموال و املاک خود بر آمد در حدود چهار صد هکتار از اراضی بر حواله مالکیت داشت بمعلی باجیرا آقای امیر کیوان نماینده کارگران واگذار کرد و چون مسأله بیعت مداخله دهقانان نتوانست در آنجا اعمال مالکیت کند سهمی از مایملک را رایگان یکی از افراد خانواده منتقد محل واگذار و در نتیجه ما حفر تعدادی جاه رراغت آغاز گردید این مرکز فلاحی بود که سهمیه جفاقداران بر خوار زانامین کرد و پس از آن امیر کیوان بلندن گریخت اینک کشاورزان بر حواله چشم براه دیدار ایشان هستند.

مسابقات قهرمانی تجلیل از شهدای ۳۰ تیر

در مسابقاتی که بمنظور تجلیل از شهدای سی تیر در ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه در حضور آقای افشارزاده و سرپرست روزنامه پرخاش اصفهان برگزار گردید این نتایج بدست آمد.

دو و میدانی:

۱۰۰ متر نوجوانان = بترتیب: ۱ - مجتبی خسروانی از فلات ایران ۲ - مجتبی افضل ۳ - سهیل ابراهیم تهرانی ۴ - حمید عمیقان ۵ - سعید فروتن ۶ - سعید حاج باقری.

۸۰۰ متر نوجوانان = ۱ - مجتبی خسروانی ۲ - رضامهره ۳ - سعید مهدوی ۴ - حجت الله عقیلی ۵ - مجتبی حافظ صفت ۶ - سعید فروتن.

پرش طول نوجوانان = ۱ - علیرضا مهره ۲ - حمید رضا امینی ۳ - مجتبی افضل ۴ - احمد خواجه ۵ - سعید مهدوی ۶ - حسین ادهم.

۸۰۰ متر جوانان = ۱ - مصطفی صفاپور ۲ - رستم محمد رضائی ۳ - علی سعیدی ۴ - علی اصغر جوهری ۵ - احمد رضا سیاسگرار ۶ - حسین معمارزاده.

۱۰۰۰ متر جوانان = ۱ - حسین معمارزاده ۲ - ناصر مستاجران ۳ - محسن سیاسگرار - محمود سیاسگرار.

پرش طول جوانان = ۱ - حمیدرضا صادقی ۲ - ناصر مستاجران ۳ - خداداد بهرمن ۴ - قربانعلی بابائی ۵ - علی اصغر جوهری ۶ - علی رضا شهرنازکیان.

نتایج بدست آمده از مسابقات ژیمناستیک:

۱ - آقای محمد صدیقی ۲ - حسن صدیقی ۳ - اکبر رضوانی ۴ - حمید رضا کرکی زاده ۵ - بهزاد حامی ۶ - عباس رحیمی.

نتایج مسابقات دوچرخه سواری که مسافت ۵۰ کیلومتر تحت عنوان جام شهدای سی تیر در جاده اصفهان - سیران انجام گردیده است:

۱ - محمد رضا باجون ۲ - مصطفی کبانی ۳ - فرهاد زمانی ۴ - رمضان زمانی ۵ - سعید نصرانجهایی ۶ - اکبر عربری.

اعضای اصلی و علی البدل انجمن نظارت بر قانون اساسی

افراد اصلی	افراد علی البدل
آقایان = سید ابوالحسن بدری	آقایان = حسین رضائی
" = علی تاش	" = محمدباقر قلیفروغان
" = حسن حدادی	" = احمد فاضل
" = محمدباقر کتانی	" = مرتضی صالحی
" = عبدالرضا فیروزیان	" = علی مدنی
" = محمود بوری	" = ناصر آرمان پناه
" = فخرالسادات سلامیان	" = مرتضی آراسته
	" = دکتر محمد ساسی
	" = علی حاج حسینی

در روز سه اصفهان شاهد از دست دادن یکی از روحانیون بزرگ خود حاج سید شمس الدین خادمی برادر بزرگ حضرت آیت الله خادمی بود مجلس حتمی از طرف آیت الله خادمی و مردم اصفهان در مسجد سید اصفهان برگزار گردید در این مجلس ریاست شهربانی - فرماندار و مقامات اداری و قاضیه مردم اصفهان شرکت داشتند. ما این صاعقه را به مردم اصفهان و بخصوص حضرت آیت الله خادمی تسلیت می‌گوییم.

بقیه سرمقاله

بدرید. حلع و ترکیب اعاده امنیت، سلاح عمومی، احیای ارتش ملی استقلال قوه قضائیه و سبب قدرت دولت مرکزی نایبند جا دارد که توفیق آقای مهندس بازرگان را مبارکباد بگوئیم و چشم براه نتایج نمرخشان این لایق بپر برکت مسامح.

با این امیدواری که دیگر پاسداران به انارت بروند و مراکز شهربانی‌ها و سروهای انتظامی بوسیله الحلال کردن هدف قرار نگیرد، دیگر محاکم انقلاب آرا، خلق الساعده را در مورد محرومین اجتماع بفرغ اجرا بگذارند و در پرو این اتحاد دولت و شورای انقلاب استقلال کشور غیر بران ارگرنند حوادث متعین نماد.

ما از آن گروه مردم مایم که عیبک سیاه بدیسی را از جلوی مردمک دیده بد دور انداخته‌اند حتی جنیدیست معاوت و رار - حکمران بر آن شخصیت روحانی جوورده نمی‌گیریم ما اند که از برکت این نایب و اتحاد خدایان الهی حاصل بر خا معنیان

بدرید. ارواح مشوش مردمی که از پایان کار انقلاب دستخوش اضطراب و نگرانی شده‌اند سکن پذیرد و دلبره موجود در میان هموطنان جای خود را به اعتماد و حوش بیسی واگذار ولی از توحید باین جمعیت غافل نمی‌توانیم بود که ادامه بی‌ترسیمی موجب استقرار دیکتاتوری می‌شود و ندایش قدرت کافی برای اعمال حاکمیت در سراسر فلات ایران اعلام ما را به محال می‌اندازد بنا بر این، نیروی حقیقتاً ضرورت است که آقای مهندس بازرگان به هر شکل و کیفیت که باشد در باز گرداندن استبداد فاسوی به دولت حوش کوشش کند. مباد روزی که جمعیت دولت موجب ظهور دیکتاتوری جدیدی شود که سالیل دراز بر مردم محروم لگام برسد و تاریخ ایران، ما را به سسی و سی لایقیتی منتهم گرداند. مباد آرزور - مباد.

احمد لوزاری

کارهای دانشگاه آزاد انقلابی برپا شد پس از اعلان بدولت ایران ملت ایران علیه دستگاه ظلم و استبداد و رژیم مرتضوی حده پهلوی، و بعد سب آمدن ارادی در دستگاه‌های ایران، این سکر ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیسمی در اثار کار با فعالیت و بستکار بسیار سابقان توجه به امر تدوین و تنظیم آئین نامه‌های ضروری و مورد نیاز برای تجدید حیات و استقلال دانشگاه‌ها پرداخت. ولی پس از رجیدی از سرعت و سبب اولیه آن گشته‌اند بطوری که امروز می‌بینیم کار این چند ماهه سازمان ملی دانشگاهیان تنها منحصر به ترکیه و تصفیه دانشگاه از عناصر مملولت و سرسپرده رژیم مغفور گذشته بوده است.

در این اواخر غیر مشاهده شد که دانشگاه‌ها بر اثر کاهش اعتبارات خود تهدید کرده بودند که سبت به سال گذشته تعداد کمتری دانشجو می‌پذیرد و پس از مذاکرات بسیار سرانجام به گفته آقای پاکدامن، رئیس سازمان سنجش کشور فرارنده است تعداد ۳۵ هزار و ۷۵۰ دانشجو در همه دانشگاه‌ها پذیرد. کوایکه در این مورد هم جای بحث و گفتگو بسیار است، زیرا در سال‌های گذشته تعداد را که عملاً می‌پذیرفتند بسیار کمتر از میزانی بود که بر روی کاغذ اعلام می‌کردند. زیرا عملاً دانشجوئی که در رشته پرکتی در چهار دانشگاه پذیرفته می‌شد فقط می‌توانست در یکی از دانشگاه‌ها نام نویسی کند در حالی که در آمار پذیرفته شدگان سازمان سنجش چهار بار نامش ثبت شده بود.

ار موضوع دور رسدم - موضوع درباره سنجش انقلابی دانشگاه‌ها است. اگر اعضای کادر آموزشی دانشگاه‌ها بطور انقلابی عمل نمایند می‌تواند هر کدام مغفل کند که دوبرابر سال‌های گذشته تدریس کنند و با استفاده از ساختمان‌های دانشگاه‌ها سر با تعمیر در ساعات برنامه‌ها صرفه جویی‌هایی در هزینه‌های آرمایشگاهی، میران پذیرش دانشجو را به دوبرابر وحی سبب افزایش دهند.

کجه دیگری که مؤید امکان این نظر است وجود درسی‌هایی در دانشگاه‌ها می‌باشد که اساد مربوط به آن درسی فقط دوساعت در هفته سبتر تدریس در برنامه ندارد و برای نفعه ساعتی که ضیق مقررات باید تدریس نماید بی‌کار بوده و محور است وقت رسمی را به مطالعه در دانشگاه بگذرانند.

بنا بر آنچه اشاره شد اکنون مردم ایران و بویژه دانشجویان داوطلب ورود بد دانشگاه‌ها که تعداد آن ۵۴۵ هزار نفر است، از همه دانشگاهیان و شورای هماهنگی دانشگاه‌ها انتظار دارند که به این روش انقلابی توجه و بره‌ای مبدول دارند و سان دهند که به فرمان امام خمینی در جهت رفع سارهای کشور که یکی از آنها افزایش سبتر تدریس دانشجو است، و دیگر کاهش تعداد مذاکرات و کوشش خودداری نمی‌کنند و حاضر هستند حتی در سها، تا سپید دهان هم گذشته به کار تدریس اشغال ورزند و ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها را بی آنکه از کیفیت درس کاهش - افزایش دهند.

سوده‌ایم. در واقع آژانس بین‌المللی نیرو هنج صمات اجرائی برای تصمات خود ندارد. تنها برای کسی که در اختیار دارد و یک مقام آمریکائی آن را "گلوله مغزه‌ای" نامیده است ایستکه برای میران مصرف مت محدودیت فائل سوم و مسرتک‌های نفسی را بمنظور رساندن نفعه به کشورهای محرومانه که کشورها را عضو ۲۰۰ کشور کمتر از حد معارف میرسد تعبیر دهیم.

در زمان حال حربه واقعی آژانس بین‌المللی نیرو امارات اطلاعات است. به سبب سبب مقررات یکصد و ده نفر کارکنان و مسرک کامپیوتری کاملاً حفاظت شده آن ساند به کامل ترین اطلاعات و امار معاملات نفسی در جهان دسرسی دارند. گزارش‌هایی معمولاً محرمانه که کشورهای عضو ۲۰۰ شرکت نفسی سراسر جهان با آن ارسال می‌دارد. با بر ملا کردن باره‌ای از آن اطلاعات، آژانس بین‌المللی نیرو در دستائی که روز بروز آسری - آگاه می‌رسود صمات اجرائی نیرو مندم در اختیار دارد و این اتحاد سبب سببکی ولی اما ایستکه اتحاد سبب سببکی سبها بعنوان هدف کافی خواهد بود فائل برسد سبب سبب.

بشکوه، ای خاک فلسطین

مهرداد - اوستا

والتین ، والزیتون ، و اللیل
والطور سینین
بشکوه ، بشکوه ، ای مرز فلسطین
ای خورده نیرنگ ، از هر زمان بیش
نومید از یار بداندیش
یار منافق
از کینه سرمست
یک دست ، در دست تو و ، با دست دیگر
با دشمن خونخواره تو دست در دست
لیکن چنان کوه
عزم تو محکم
حزم تو ستوار ، رایت مصمم
نومید؟ هرگز
فرزند نستوه صلاح الدین و ، نومید!
اینست شگفتی !
پدرود ، پدرام
خواهم ، ترا در سایه نصرمن الله
زامویه ، تا گنگ
تبغت چو تبغ صاعقه رخشنده در چنگ
پیروز در چنگ
برگامه دوست ، بررغم دشمن
ستوار و ، سنگین
بشکوه ، ای پور فلسطین
آواره تا چند
دلخسته تاکی ، در کشور ما
مهمان ما باش
گر نیست ایرانی کنون همسنگر تو
باشد زجان و ، دل همانا یاور تو
غمخوار و ، یاور
هان ای برادر
تا گاه پیروزی ، کنون ای خواهر پاک
مهمان مام مهربان ایران ما باش
از بهر تو ، بستان و ، تاکستان خرم
گلزار و ، شالی زار و ، گندم زار و ، خانه
از هرچه گویی ، و زهرچه خواهی
تا گاه بهروزی برادر ، وی مادر پیر
از آن ما باش
دشمن ، که پیگارت و ، کین اندیشه او
ناوردی ، بیگانه خوبی
پیشه او
برکنده باد از بیخ و ، از بن ریشه او
بررغم او ما دوستدار هرچه انسان
سرخ و ، سیاه و ، زرد
یکسان
بیرون زهرنگ ، بیرون زنیترنگ
ماییم و ، یاری ، یار هماهنگ
از هرکه انسان ، از هرچه مسلک
و زهرچه آیین
خویشیم و ، پیوند
برهرچه سوگند
ما هرچه داریم ،
یک بهره زنان
و ز آنچه خواهیم و ، نداریم
گیریم از انسان
تا دشمنی ها را براندازیم بنیان
تا دوستی را برج و ، بارو
یکسر براریم
برایم پروین
آه ای فلسطین

پایان

هردم سفرساز ، هرجا سفرسوز ، شام و ، سحرگاه
ای شکوه درد ، وی قصه آه
پور دلاور پیر خمیده
ای سرد و ، گرم روز و ، سال و ، مه کشیده
شیرین و ، تلخ زندگی هر دم چشیده
ده رانده دوست ، با طغن دشمن
یاران پنهان ساز تو ، سرگرم سودا
با کاروان همراه ، اما
همدست رهن
این سامری کیش
بدکین و ، بدخواه
این گاو ریشان ، کوساله کیشان
ای دختر آواره از خانه خویش
پیکارگر ، یافتنه دیو بداندیش
ای ایزدی خوی ، ای ایزدی کیش
وی ایزدی روی
دژخیم بدخواه
هرسو فرا پس ، هرجا فرا پیش
دلها همه پرداخته از مهر و ، انصاف
در زیر این سر برکشیده لوح رنگین
بشکوه ای خاک فلسطین
آن کودک هرسو دویده
افسرده و ، اندوهگین ،
دلخسته با رنگ پریده
با موی پر خم ، مردو ، مصمم
فرسوده ، خسته ، در سایه خار مغیلان
دور از تو و ، دامان تو عمگین نشسته
اندیشناک و ، مات و ، نومید
از یاری دوست ،
بی هیچ پشتیبان و ، یاور ،
بی هیچ امید
از پیروان هرچه آیین ، آه ای فلسطین
خانه خدا آنکه که بودی
در خانه تو ترسا و ، بودایی
یهودی
آسوده دل ، همچون برادر
در کشور تو ،
بی هیچ تشویش ، بی هیچ اندوه ،
شادان غنودی
نومید ایدر
نومید و ، نومید
از ترک و ، تازی ، از گبر و ، ترسا و ، یهودی
همسایه خواهی اردنی ،
خواهی حجازی
نومید ، آری
از هرچه یاری
از هرکسی خویش ، از هرکه پیوند
برهرچه سوگند
استاده همچون صخره روبا روی توفان
دشمن کمین کرده بیابان تا بیابان
در پیش دشمن ، غافل زهیگش منافق
وانگه ، به حیرت خویشتن را
کشته دیده
واپس چو برگزیده دو دیده ،
دیده ست خورده
از پشت خنجر
از دست آنکو پیش ازین خواندش برادر
پادا فره هیچ ، پاداشن پوچ
چون کوچ ، ناچار - پیوسته در کوچ
بدرود ، بدرود
ای ارض موعود

ای هرکران دور ، وی هرکجا سوز
هرجا مغیلان زارغولان کمان گیر ، با خصم مزدور
هرجا کویر و ، هرکجا کوه
ای هرکران دیر
اندوه ، اندوه
گسترده هر سو دیولاخ اهرمن ، راه
ای هر زمان اشک ، وی هرکجا آه
افکنده هرجا در کمینت راهزن دام
دامی بهرگام
هنگام هنگام
دور از تو و ، دامان تو ، فرزند نستوه
ای مام عمگین ، بشکوه ، بشکوه
بشکوه ، ای خاک فلسطین
هرسو فرا پیش تو دشمن
هرجا فرا پشت تو فتنه
این مردمی سوز
وان مردم افکن
آن آتش افروز
وین خانمان کن
بگذشته جانگاہ تو هرچند تاریک
آینده روشن
ای مادر سرگشته ، وی گمگشته کودک
در زیر آتش ، در بارش رگبار ناوک
سرسخت ، سرکش
ای سرو بالا دختر برگشته مژگان
برتافته کیسوی مشکین
افسانه پر آب چشم تو ، همه خشم
سرشاز از کین
بشکوه ، بشکوه - ای دختر آوره مرز فلسطین
افراشته بالا ، چنان چون
پیروزی و ، فتح ، در لجه خون
دشمن کمین کرده ، بهرگام
زین اهرمن لاج بیابان در بیابان
ای هرکجا دام
وی هر زمان کین
بشکوه ای خاک فلسطین
ای سرزمین چشم هرسو برگشاده
افسوس ، افسوس
در پنجه مهمان ناخوانده فتاد
کابوس ، کابوس
هرسو بیابان ، هرگوشه هامون
همچون سپیده ، دامن کشیده ، در لجه خون
ای کوهساران زهرسو
فریاد سربردامن گردون کشیده
در انتظار هرچه فرزند
در اشتیاق هرکه پیوند
ای اشک هرسو ریخته از چشم افسوس
ای پنجه کرده هر دمی با هرچه کابوس
ای خانه متروک عمگین
آه ای فلسطین ، ای فلسطین ، ای فلسطین
دلخسته غمخواری از هرکسی دوست
از هرکسی خویش
از هرکه پیوند ، برهرچه سوگند
ای هرکران دور
بابدسگال کینه جو سرگرم پیکار
با دیو مزدور
این دل بمزد اهرمن خیم
این بندگان برده زر
وان بردگان بندی زور
ای اشک ، ای آه
ای همچو شب در پرده شب ، راه فرسا

در حاشیه مصاحبه تلویزیونی

و ملی شدن زمین ها

ج-و

مالک اصلی

کرد رندی از زمین خواری سوال
مالکیت چیست؟ ای آشفته حال
طبق قانون ، گفت : هرکس مالک است
منطبق با : کل شیئی هالکاست
"در حقیقت مالک اصلی خداست
این امانت چند روزی نزد ماست"

* مالکیت در اسلام باید مشروع باشد ، حلال باشد ،
قابلیت تملک داشته باشد ، عدم خطر ، عدم تمرکز ، عدم
احتکار ، عدم اسراف بر آن مترتب باشد .

پرخاش

از هاریست

قیامتی که بها خاست روز عاشورا
ز سوی ملت ایران نشان بیداریست
کسی ز قدرت سرنیزها هراس نداشت
که در مبارزه خلق سیل خون جاریست
اگر که دشمن سگجان درنده خوئی کرد
چمغای شکوه که این رسم شوم از هاریست!

بیک شاهی نیرزی

توکز هرباد چون بیدی بلرزی
اگر کوهی بر گاهی نیرزی
نیبندی اگر بر نهضت خلق
اگر شاهی بیک شاهی نیرزی!

طرح طب ملی

با اینکه طرح طب ملی از ضرورت های حرکت انقلابی است و اجرای آن عین انقلابی گروه کثیری
از مبارزان را فرو می نشاند مذلک وجود پزشک و ارتباط انسانی او با بیمار مسئله است که مافوق تمام
مسائل است ، پزشک وقتی "عمیسی هست نبود قهرا" ، (آدمی کش) میشود ، همانطور که در طول تاریخ
طب جدید ، پزشکان ما ، طب را دستاویز ثروت اندوزی قرار داده بودند و حیات مریض مستمسک جمع
مال و راه یافتن بقدرت های سیاسی آنان بود .
فراوش نکیم که یک طبیب با کمال بهوشی ، با وارد کننده دارو میساخت واحیانا "ته انبارهای
خود را با نسخه های بی مورد به مریض تحمیل میکرد .
چکا مریز ، نمایانگر حالت اینگونه اطباءست که متأسفانه در کشور ما تعداد شان اندک نبود!

کتابنامه مهمل

گردد چو در ساعت سه محکمه دایر
شد دکتر با تجربه در محکمه حاضر
برخورد بیکدسته مریض از زن واز مرد
چون توی اتوبوس به جنجال مسافر
هر سو نگران دید گروهی متفرق
از سرتبه اول تا پله آخر
خوابیده یکی کیج که لب برده تریاک
افتاده یکی مست که دل داده بهمسکر
میگفت زنی در دره ماتیم دوسال است
بردست ز من نعمت جمعیت خاطر
دکتر چو مریضانرا بیرون زشمر دید
خوشحال شد و از طرفی شد متأثر
خوشحال از آنرو که مریض است فراوان
مفهوم از آن سو که بود مشله وافر
برداشت قلم را و بعد باد و تکبر
رو کرد به آن جمع بریش متحیر
گفتا همه مهمل همه مهمل همه مهمل
* اما همه ساندرا همه ساندرا!

* ساندردوای بی ضرورتی بود که کارخانه ساندرا ساخته
بود و با آقای دکتر گاو بندی داشت!

پنجم: فرهنگ‌نخعی (ریمن سابق)

اسلام اجازه غارتگری به احدی نمیدهد

بطوریکه در شماره قبل یادآوری کردیم برای ساختن زیربنای ایران آینده که قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی تأمین‌کننده حاکمیت ملی خواهد بود باید دوگام اساسی و اصلی در جهت تعدیل ثروت و مبارزه با فساد برداشته شده و ایندو لازم و ملزوم یکدیگر است بدین معنی که اگر ثروتهایی در نزد پاره‌ئی از افراد که تعداد شان بسیار زیاد است گرد آمده است صرفاً نتیجه فساد طبقه حاکمه غارتگری بوده و این فساد خود عامل مهم و اساس تمرکز ثروت و با نتیجه محرومیت طبقات محروم مملکت بشمار میرفته است و اکنون که میخواهیم ایران آزاد و آباد و سربلند آینده را در پرتو انوار رستگاری بخش خورشیدجهان‌تاب اسلام و با برخورداری از تعالیم عالیه مکتب جاویدان قرآن بنا نهیم باید بیش از هر چیز باین مهم بپردازیم و علاوه بر مجازات عاملین رژیم منقور و جابر گذشته و اعداها و مصادره هائی که از اموال مجرمان و معدومان و فراریان بصورت ملی شدن بانکها و شرکت‌های بیمه و صنایع پشت سر گذارده‌ایم بایستی کلیه آثار تمرکز ثروت و فساد اداری و اجتماعی را از بین ببریم و تصور نکنیم که با اعدام چند نفر و ملی شدن مؤسسات مالی و اقتصادی، مساله تمرکز ثروت و مبارزه با فساد منتهی شده و با حفظ وضع سرمایه‌داری موجود ایران گلستان خواهد شد.

یک نگاه به کلیه شهرهای بزرگ و کوچک مخصوصاً "تهران" و شهرهای درجه اول کشور مانند مشهد و تبریز و اصفهان و شیراز و اهواز و... نشان میدهد که چاه اختلاف فاحشی بین قسمتهای نو و کهنه شهر وجود دارد.

در همین تهران اختلاف بقدری چشمگیر و زننده است که انسان نمیداند چگونه ممکنست پایه‌های حکومت عدل اسلامی بر روی این سطح ناهموار و ناهم‌آهنگ استوار شود و اصولاً ساختمانی که بنیان آن بر تعادل قائم نباشد چگونه میتواند پایدار بماند.

نگاهی به ساختمانهای شهری و فروشگاههای پرزرق و برق بخوبی اختلاف سطح طبقاتی را بین طبقات ممتاز و محروم آشکار میسازد. یکی در یک ساختمان باشکوه محصور وسیله باغی آراسته با استخری مواج از آب تصفیه شده با لوسترهای گرانبها و فرش های گرانبه و اثاثیه تجملی و مجسمه‌ها و اشیاء زینتی و میلمان لوکس و اتومبیل‌های آخرین سیستم با چندین خدمتگزار و راننده و آشپز بچشم میخورد و جای دیگر خانه‌ئی مخروبه با اطاقهای نمود که در هراتاق خانواده‌ئی پر جمعیت را در خود جای داده و زندگی را برای آنان چون جهنمی سوزان جلوه گر میسازد.

اگر وضع موجود حفظ شود چگونه میتوان به عدالت اجتماعی و عدل اسلامی امیدوار شد.

این ثروتهائی که در نزد سرمایه‌داران تمرکز یافته فقط و فقط نتیجه قهری و اجتناب‌ناپذیر سیستم غلط سرمایه‌داری رژیم گذشته بود که میتوان آنرا معجون زهرآگینی از کلیه رژیم‌های اقتصادی بشمار آورد.

بطوریکه میدانیم در دنیای امروز و در علم اقتصاد سه نوع رژیم اقتصادی وجود دارد.

۱- رژیم اقتصادی دولتی که در کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی حکمفرماست و دولت بنام ملت زمام امور اقتصادی را بدست داشته و باملی کردن وسائل تولید سر رشته اقتصاد کشور را بدست دارد. در این رژیم سرمایه در دست افراد نبوده هر کس بفرآخور کار و استعدادش میتواند از وسائل زندگی و تأمین اجتماعی که در دست دولت است برخوردار شود.

۲- رژیم اقتصادی آزاد که در این سیستم دولت دخالتی در امور تجارت و صنعت و اقتصاد کشور ندارد و زمام امور اقتصاد بدست سرمایه‌داران و بانکداران و صاحبان صنایع و کارتلها و تراستها بوده اینان نیز در جهت منافع خود گرایش چرخهای اقتصاد کشور را بعهده داشته و برای تأمین سود هر چه بیشتر خویش از طریق انتخاب‌نمایندگان و وضع قوانین و حتی انتخابات ریاست جمهوری نیز مملکت را بدست دارند و نمونه کاملاروشن این سیستم امریکاست که حکومت سرمایه‌داری در زیر نقاب دمکراسی برجامه فرمانرواست.

۳- اقتصاد ارشادی یا اقتصاد هدایت‌شده (اکنونومی اریزه) که از آن دولت صنایع مهم و مادر را در دست داشته و در کلیه امور اقتصادی بمنظور تأمین صلاح و منافع مردم و طبقه مصرف‌کننده نظارت کامل داشته در واقع اقتصاد کشور را در جهت رفاه عموم هدایت میکند و بالطبع در چنین رژیمی نمیتواند طبقه‌ئی بنام سرمایه‌دار و بورژوازی آنچنان رشد کند که مانند سیستم اقتصاد آزاد موجب تمرکز سرمایه را در نزد خود فراهم سازد. ظاهر امر اینستکه رژیم اقتصادی حکومت سابق ایران یک اقتصاد ارشادی بود. نه دولت مانند سیستم دولتی کلیه امور اقتصادی را بدست داشت و نه سرمایه‌داری از آزادی کامل برخوردار بود و اگر واقعاً چنین بود یعنی در پشت این سیستم اقتصادی حسن‌نیت و قصد خدمت وجود داشت و از غارتگری و سوء استفاده سرمایه‌داران از بازار آشفته جلوگیری میشد با پولهای بیحسابی که از درآمد نفت وارد بازار گردیده ایران بهشت شده بود ولی؟ ولی باکمال تأسف باید گفت که رژیم اقتصادی ایران اختلاط نامعقولی از هر سیستم یاد شده بود یعنی در عین حال که دولت در کلیه شؤون حیوتی و اقتصادی کشور مداخله میکرد سرمایه‌داری و سرمایه‌دار شدن و تمرکز سرمایه کاملاً "آزاد" بود و کافی بود که فردی با زرنگی و پشت هم‌اندازی و تقرب بمقامات و متنفذین از راههای مختلف بالاف والوف برسد و از قبل او نیز صدها سرمایه‌دار کوچک و متوسط بنوائی برسد و بعبارت دیگر میتوان گفت که سیستم اقتصادی کشور یک رژیم اقتصادی ارشادی بود که در آن سرمایه‌ها و منابع درآمد ملی کشور بسود طبقات حاکمه و ایادی و کارگزاران و کاسه لیبیان آنها در گردش بود. اگر وارداتی بود، اگر صادراتی داشتیم، اگر صنعتی بوجود میامد، اگر کالائی توزیع میشد، اگر کشاورزی و دامداری توسعه میافت...

همه و همه در جهت تأمین منافع آنان بود و بس و نتیجه این وضع اینکه اگر سران رژیم گذشته با نقشه‌های حساب شده غارت منابع ملی کشور دست زدند بسیاری از افراد نیز از این غارتگری بهره‌مند شده‌اند که برای پی‌ریزی حکومت عدل باید بحساب آنها رسیدگی کرد.

برای نیل باین منظور بایستی در تکمیل ملی شدن بانکها و صنایع و مؤسسات بیمه که هر یک در حد خود از اهمیت و فوائد خاصی برخوردار است اقدامات زیر بعمل آید:

۱- اجرای قانون از کجا آورده‌ئی

بطوریکه می‌دانیم در رژیم گذشته هرگاه که بوی گند فساد مشام همگان را متاذی میساخت و حتی آمریکا نیز از فساد وسیع رژیم دست‌نشانده خود اظهار تأثر و تأسف میکرد، زمزمه‌های در جهت مبارزه با فساد شنیده میشد و یا ماجرای بندج و قانون از کجا آورده‌ئی بوجود می‌آید و یا کمیسیون شاهنشاهی و بازرسی شاهنشاهی برپا میشد که البته نتیجه معلوم است.

اکنون که میخواهیم آثار فساد رژیم طاغوتی را از بین ببریم بجای آنکه گریبان کوروش و داریوش و نوشیروان و شاه عباس را بگیریم و یا شاهنامه را مورد بیمه‌ری قرار دهیم و یا برای نابود کردن و از میان بردن مخالفین ایدئولوژیکی کمر بر میان بندیم باید دقیقاً و جدا بحساب ثروت و دارائی افراد از کلیه طبقات رسیدگی کنیم و برای هر کس حد معقول و متناسبی در نظر گرفته و مازاد را بنفع خزانه کشور ضبط کنیم و سرمایه‌های بدست آمده از این راه را در جهت عمران و آبادی کشور و ایجاد کارهای تولیدی و توسعه کشاورزی بکار اندازیم و جدا از هرگونه کذا - پروری و بیگانه‌نوازی که منتظران دارند دولت از آنان بنام "مستضعف" و بدون کار و زحمت و فعالیت نگهداری کند بپرهیزیم.

رژیم سرمایه‌داری کنونی و بورژوازی ملی که هدف احزاب و مطبوعات دست‌چپی است یک رژیم زائیده حکومت اسلامی نیست که در بقای آن و نگهداری از آن اصرار ورزیم. این سیستم یاردار شوم دوران منحوس حکومت محکوم گذشته است.

این رژیم نبض و ارادات و صادرات و تولید و توزیع و کلیه ارکان سرمایه‌داری را بعهده داشته و بالطبع کسانی که در پنجاه ساله گذشته در این امور وارد بوده و فعالیت داشته و ثروتهای هنگفت فراهم ساخته‌اند و زندگی بسیار پرتجمل و با شکوه بهمرسانده‌اند نمیتوانستند بدون حمایت رژیم و یا لاقابل و ایستکان آنها اینهمه ثروت و سرمایه بدست آورند و خود و خانواده‌شان غرق در ناز و نعمت باشند و امروز باید بملت ایران و طبقات محروم حساب پس بدهند.

اسلام نمیتواند در حکومت عدل الهی خود اجازه دهد سرمایه‌دارانی که از برکت فساد و غارتگری رژیم ضد ملی و ضد اسلامی گذشته صاحب آلاف والوفی شده‌اند همچنان بر سرکنج های با دآورده خود بنشینند و حتی قیافه ظاهر اصلاح شرعی هم بخود بگیرند و در سایه حکومت اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی امتیازات نامشروع خود را حفظ کنند.

درست است که در اسلام مالکیت مشروع و محترم است ولی مالکیتی که از راه حلال بدست آمده و سرمایه‌ئی که بدون زدوبند و آنهم در حد عادلانه و محدود کسب شده باشد و بدون هیچ شک و تردید سیستم سرمایه‌داری کنونی که قیافه تهران و شهرهای بزرگ معرف کامل آنست نه تنها با اسلام و موازین اسلامی سازگار نیست بلکه قابل دوام هم نمیتواند باشد و بنابراین در اجرای دواصل تعدیل ثروت و مبارزه با فساد بایستی قانون از کجا آورده‌ئی با تصمیم درباره کلیه طبقات و باتجدید نظر در متن آن و وسیله یک سازمان نو بنیاد بموقع اجرا گذارده شود و من در این مورد از کلیه صاحب نظران و نویسندگان ارجمند برای نحوه اجرا و چگونگی آن درخواست مینمایم نظریات خود را در معرض افکار عمومی قرار داده مصرأ از دولت بخواهند که در این راه هر چه زودتر گامهای فوری و اساسی بردارد و در اسرع وقت بیکر ملت را از سرطان سرمایه‌داری و بورژوازی ملی رهائی بخشد.

۲- کنترل واردات و صادرات و تولید و توزیع وسیله دولت

باتوجه با تار شوم سیستم اقتصادی حکومت فاسد گذشته و لزوم تعدیل ثروت، ضرورت هر چه بیشتر نظارت و فعالیت دولت اسلامی در اقتصاد کشور بیش از پیش احساس میشود و برای ایجاد یک "جامعه بی طبقه توحیدی" که اینروزها یادورد زبان- هاست دولت باید کنترل کامل واردات و صادرات و توزیع راز طریق ایجاد شرکتهای واقعی بازرگانی و با مشارکت مردم عهده‌دار شود بطوریکه هیچ واردکننده یا صادرکننده و یا عامل توزیع نتواند مستقیماً در این امور شرکت و مباشرت داشته و بایزاین وبالآوردن مصنوعی سطح قیمتها و حتی در دست گرفتن کلید عرضه و تقاضا کالاهای مصرف عمومی را ببهای دلخواه در دسترس مصرف‌کننده قرار داده از قدرت خرید کاذب مردم که خود زائیده فساد اجتماعی و اداری است سوء استفاده نمایند.

یکنگاه به نوسانات قیمتها در چند ساله و حتی چند ماهه اخیر نشان میدهد که چه طبقاتی توانسته‌اند از این فساد بهره‌مند شوند و سرمایه و ثروت بهم رسانند برای نمونه ماجرای اسفناک سیمان و داستان معروف "سیمان و ایمان" کافی است که ما را بعمق فساد وسیع اجتماعی که از طبقات بالای حیات حاکمه تا سیمان فروش مرحله را در گرفته بود آشنا سازد. سیمان از مرحله تولید تا توزیع از طریق "بازار سیاه" بدست می‌آید و هر کسی که در کار تولید و توزیع آن دست داشت از این نمذ کلاهی بدست می‌آورد و شما میتوانید در هر محل و هر شهر کسانی که از برکت

بازار سیاه سیمان بنوائی رسیده‌اند بشناسید و دریابید که چنین افرادی اگر هم با رای و حرف هوادار حکومت جمهوری و عدل اسلامی باشند عملاً "بزرگترین دشمن اسلام حقیقی هستند و اگر بماجرهای تأسف‌انگیز و شرم‌آور بازارهای سیاه آهن و آجر و گوشت و شیشه و مواد غذایی و داستان بساز و بفروش و زمین‌خواری و زمین بازی و سوق سرمایه‌ها در رشته‌های غیر تولیدی و گسترش بساط دلال‌بازی توجه کنید بیش از پیش بعمق فساد سرمایه‌داری که آثار آن در بازار (سرپوشیده) و خیابان مزین بساختمانهای چند طبقه و فروشگاههای مجلل و پرزرق و برق بچشم میخورد آگاه خواهید شد و بدین لحاظ برای محو این آثار شوم و جلوگیری از ادامه اینوضع پیشنهاد، بدولت اسلامی ایران اینستکه در پی ملی شدن بانکها و صنایع و بیمه‌ها مبیایستی واردات و صادرات و تولید و توزیع در اختیار دولت قرار گیرد تا تعادلی در سطح قیمتها بوجود آید.

۴- سوق سرمایه‌ها در جهت تولید

یکی از آثار شوم اقتصاد فاسد و درهم جوش رژیم گذشته آزادی سرمایه و سرمایه‌دار برای هرگونه فعالیت در جهت تأمین منافع طبقه حاکمه و وابستگان و ریزه‌خواران آن بود.

اگر تنها به مساله زمین‌خواری و با بقول یکی از نخست وزیران خیلی اسبق و محروم (از زندگی)، خاکبازی توجه کنیم درمی‌یابیم که چگونه گروهی از برکت زمینداری و زمین‌خواری صاحب سرمایه‌های هنگفت شده‌اند و چون غالباً "از این ماجراها زیاد شنیده‌اند و از فوت و فن‌ها بخوبی آگاهند و کم و بیش (برخلاف مخلص) سرشان در کار خرید و فروش زمین گرم بوده است از ذکر موارد و نمونه‌ها خودداری میشود و همینقدر باید گفته شود که در اقتصاد گذشته هدف پول درآوردن از هر راه و بهر وسیله بدون رعایت اصول شرعی و اخلاقی و موازین قانونی بوده و اکنون که حکومت عدل اسلامی در شرف تأسیس است مبیایستی سرمایه‌ها در جهت منافع ملی و تأمین رفاه و آسایش توده‌های محروم و مهتر از همه تولید بکار افتد.

آیا بهتر نیست سرمایه‌هایی که اکنون در همین تهران برای ساختمان‌های چند طبقه و ایجاد سوپرمارکتها و فروشگاه - های متعدد بکار افتاده از طرف دولت و با برقراری یک نظام صحیح و کنترل دقیق در جهت تولید و مخصوصاً توسعه کشاورزی بکار افتد و هر چه بیشتر از نیاز کشور بخارج کاسته شود؟ آیا بهتر نبود سرمایه هنگفتی که برای تأسیس بانک اسلامی اختصاص داده شد (صرف نظر از چگونگی تحصیل آن) مستقیماً در جهت توسعه کشاورزی بکار می‌افتاد؟

البته اگر اصل ملی شدن بانکها زودتر عملی میگردد و یا بهتر باینکه‌ئی موجود که خود نتیجه سیستم فاسد و غلط اقتصادی رژیم سابق بود وسیله دولت ضبط و بحساب پدھی آنها بدولت گذاشته میشد اصولاً با اینهمه بانک نیازی به تأسیس بانک اسلامی نمیبود و اکنون هم که این بانک توسعه نیافته و شعبه و باجه - های متعدد بوجود نیاورده و کارهای همان بانکها را منتهی در شکل شرعی مضاربه و... آغاز نموده است. اصل آنست که کل سرمایه آن با تغییرات لازم در اساسنامه مستقیماً در امر کشاورزی بکار افتد. هم اکنون در سراسر کشور و مخصوصاً در نزدیکی شهرهای حاشیه کویر اراضی مستعد برای کشاورزی و دامداری و دامپروری وجود دارد که میتواند سرمایه بانک اسلامی را تماماً بخود جذب کند و حتی بامدیریت صحیح و توأم با حسن نیت و عمل امکان مشارکت گروههای مردم را نیز در این جهت فراهم کند و به کشاورزی ایران با امکانات بسیاری که وجود دارد رونقی بسزا بخشد.

بخدا آنقدر ساختمان و فروشگاهها و بانک در شهرها موجود است که از حد اشباع گذشته. باید سرمایه‌ها و تلاشها و نیروها در اراضی بکرو پایر و مستعد بکار افتد و ایران بیگ کشور صادر - کننده محصولات کشاورزی مبدل گردد. بروید از مردم طیس، شهر ویران شده در قلب کویر بیاموزید که چگونه در آن صحرائ خشک باغ گلشن را بوجود آوردند و درختان و بوته‌ها را با کوزه بهتر از سیستم قطره‌ئی آبیاری میکنند. بروید سرمایه‌ها را در راه تولید و گسترش کشاورزی و توسعه دامداری بکار اندازید و مملکت را در پرتو عدل اسلامی آباد سازید. بامید خدا و السلام علی من اتبع الهدی

آگهی مناقصه شماره ۵۸/۱۹

شرکت مخابرات ایران تعداد ۷۵۰ دستگاه کیوسک تلفن (آهنی) مورد نیاز خود را طبق نمونه منصوبه در مرکز تلفن دانشگاه (چهارراه امیرکرم) و طرح قرارداد و شرایط مناقصه تحویل انبار خانی آباد واقع در سرپل راه آهن اول جاده آرامگاه از طریق مناقصه خریداری مینماید.

دو وظلیان شرکت در مناقصه میتوانند همه روزه بجز ایام تعطیل در ساعات اداری به دبیرخانه اداره کل خرید واقع در خیابان دکتر علی شریعتی بالاتر از چهارراه قصر ساختمان شماره ۵ طبقه دوم اطاق ۲۱۲ مراجعه و با ارائه رسید مبلغ ۵۰۰ ریال (بحساب شماره ۹۰۰۰۲ - شرکت مخابرات ایران نزد بانک ملی ایران شعبه مخابرات) اسناد مناقصه را که عبارت از شرایط مناقصه و طرح قرارداد میباشد دریافت و با توجه کامل بمندرجات آنها را امضاء نموده و به ضمیمه پیشنهاد خود در دو پاکت الف و ب بوضف مشروحه در شرایط مناقصه تا آخر وقت اداری روز شنبه ۵۸/۵/۲۰ به دبیرخانه اداره کل خرید شرکت بنشانی فوق الذکر تسلیم و رسید دریافت دارند.

پیشنهادهای رسیده تا موعد مقرر در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۵۸/۵/۲۱ در اطاق کمیسیون مناقصه واقع در ساختمان شماره ۵ شرکت مخابرات ایران طبق چهارم اطاق ۴۰۵ بازخوانده خواهد شد.

حضور پیشنهاد دهندگان بانامینده بجز آنها در کمیسیون مناقصه آزاد و شرکت مخابرات ایران در رد یک یا تمام پیشنهادهای رسیده مختار است.

شرکت مخابرات ایران

پرخاش

دوره روزی

نشانی: بهیج شمیران خیابان دکتر شریعتی
مشاقیق - بلاک ۲
شماره ۲۶۳۱

دکتر قاسم معتمدی
احمد الوار

زیر نظر شورای نویسندگان
سی و سومین سال تاسیس
روزهای انتشار چهارشنبه

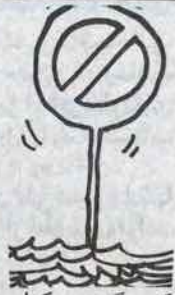
بهای آگهیها

صفحه اول هر سطر یک هزار ریال
صفحه آخر هر سطر شصت هزار ریال
صفحات داخل هر سطر سیصد ریال

تک شماره ده ریال
پس از یک هفته پنجاه ریال
برای خارج از کشور ۲۵ پانس

آقای فرماندار رود سرهم بله

در روزنامه‌ها آمده بود که آقای فرماندار رود سرهم برای آنکه از همکار انزلی خود عقب نیفتد اعلامیه‌ای صادر و از جوانان رودسری خواسته است برای حفاظت دریاگاردی تشکیل بدهند در حالیکه در رودسری و دریای عمومی وجود ندارد تصور می‌رود با تشکیل این گارد در صدد تسلب آزادی از معدودی مردم هستند که در گوشه و کنار رودسر سرپناهی ساخته‌اند. بنظر ما و در حالی که با راه‌بندانه‌های مستمر وسیله پاسداران وقت و بیوقت بعد کافی شهرهای توریستی شمال از حیز ارتفاع افتاده‌اند برای کساد کردن بازار شمال همتی از نوع دیگر لازم است و حق اینست که فرماندار رودسر شیوه مرضیه دکتر داوران استاندار عاقل‌گیلان را مورد توجه قرار دهد که در جواب دریای زنانه و مردانه گفته بود ما اینقدر گرفتاریم که با این کارها نمی‌رسیم - امیدواریم فرمانداری رودسر بکارهای اساسی خود برسد و جوانان را در کنار دریا با خانواده هادر بگیرند.



چرا عاملان تباهی آموزش عالی تعقیب نمیشوند؟

با مداد روزنامه‌یومیه صبح تهران در شماره‌های گذشته خود خبر داد که آقای دکتر قاسم معتمدی را در حالی که پیپ کدائی را زیر لب داشته و در خیابان دکتر مصدق پیاده روی می‌کرده دیده‌اند. این روزنامه در تحقیق علت عدم تعقیب ایشان از قول خبرنگار خصوصی عنوان کرده است که مسئولان فعلی آموزش کشور در سنوات ماضیه در دانشگاه‌های تهران و اصفهان همکار آقای دکتر معتمدی بوده‌اند.



ارزیابی معامله تاریخی زمین شاهین شهر

در تعقیب مطلب منتشره در شماره چهاردهم پرخاش موضوع معامله بیسابقه صنایع نظامی با مدیر شاهین شهر ورقم نجومی چهارمیلیارد - و شصت ملیون تومان بهای زمین و ساختمان اطلاع یافتیم که پرونده امر از طریق مقامات قضائی بکارشناس مطمئن دادگستری مراجعه و در یک فقره سه ملیون متر زمین که از قرارمتری سه هزار ریال فروخته شد حسب نظر کارشناس رقم کل بها (اگر باید صنایع نظامی زمین بخرد) در حدود ۴۵ ملیون تومان برآورد شده ما که از محاسبات بزرگ سردر نمی‌آوریم تصور میکنیم که این یک رقم حدود نهمصد ملیون تومان شده است کوشش خواهیم کرد که جریان رسیدگی باین سرقت کلان و قانونی را دنبال کنیم.



قانون مطبوعات و نظرات مخالف

قانون مطبوعات بشورای انقلاب رفته است و در حالیکه سندیکا و روزنامه‌نگاران شاهنشاهی از آن قداره‌ای بلندتر از قداره داموکلس ساخته‌اند (آقای دکتر مصطفوی مدیر روشنفکر مدعی بود که حتماً کلمه شمشیر را بکار ببریم)



دیگر دوروزنامه اسلامی (انقلاب و جمهوری) که گفته میشود مدیرانشان (بنی صدر - دکتر بهشتی) عضو شورای انقلاب هستند ، هر دو از قلت مجازات در این قانون گله دارند و بهر صورت هر دو گروه افراطی بنظر ما قانون را موجه میسازد و نشان میدهد اعضا - کمیسیون بالاخره زحمتی کشیده‌اند که میشود بر آن نام اعتدال نهاد.

پالایشگاه تهران ایمنی ندارد

طبق اطلاع واصله پالایشگاه تهران فاقد وسائل ایمنی لازمست تا آنجا که در جریان انفجار دو بمب که هفته گذشته در آن پالایشگاه منفجر شد اگر بفضل خدا نبود شاید پالایشگاه با خاک یکسان میشد خبرنگار پرخاش گزارش داده است آقای مدرس که از کارشناسان مسلم آتش نشانی است سال گذشته بر رئیس پخش نفت ملی گزارشی در این مورد تسلیم داشته و آقای خوئی که گویا در مجموعه سازمان وقت فرصت توجه بمسائل این چنین رانداشته‌اند موضوع را پشت گوش انداخته‌اند جالب آنکه هفته گذشته نیز مسئولان امر موضوع را با مقامات ذیربط در میان گذاشته‌اند که بآن توجهی نشده است از آقای - مهندس فخمی و بالاخره جناب نزهه توجه به تجهیز پالایشگاه را از نظر ایمنی توقع داریم چه در شرایط موجود کوچکترین غفلت موجب نابودی تاسیسات و بالاخره ایجاد بحران در پایتخت خواهد شد.



داوطلبان خوزستان دو برابر اصفهان بوده‌اند

گزارش منتشره از طرف سنجش کشور درباره داوطلبان ورودی آموزش عالی تعداد متقاضیان استان خوزستان را پس از تهران بالاترین رقم اعلام داشته است بطوریکه تعداد داوطلبان - خوزستان در سطحی دو برابر اصفهان قرار داشته است. این ارقام از یکسو نمایانگر عدم توجه دولت مرکزی باستان زرخیز خوزستان و نشانگر شوق مردم آن دیار در کسب علم و دانش است و از سوی دیگر برای اصفهانیا پندآموز است چه ما در هر رشته خودمان را بعد از تهران ردیف اول میشناختیم و حالا خلاف آن ثابت شد.



تقاضای تعقیب عاملان تباهی آموزش عالی را داشتند. از دیدگاه آقایان افرادی چون دکتر قاسم معتمدی، دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر طوسی و دکتر عبدالحسین سمعی باید تسلیم محاکم انقلابی میشدند و آقای دکتر شریعتمداری با عصیانیت و زدن مشت روی میز اظهار داشتند برای تعقیب هیچکس بوزارت علوم نیامده‌اند و ما موریت ایشان فقط اداره دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است خبرنگار پرخاش که از جلسه مزبور استراق سمع میکرده گزارش میدهد که اظهارات وزیر علوم با عصیانیت بی سابقه‌ای همراه بوده است و مدیران مدارس عالی بالاخره فهمیده‌اند چرا تقاضای تعقیب سمعی و طوسی و معتمدی و نهاوندی تا این حد جناب‌وزیر را عصبانی کرده است.

ترک رابطه و پناهندگی شاه مخلوع

تصویب قانون پناهندگی شاه سابق در پارلمان مصر بار دیگر موضوع روابط ایران و مصر را در محافل علاقمند مطرح ساخته است اگر بخاطر بی‌اوریم که ترک رابطه ما با مصر خیلی فوری و انقلابی و با صدور یک دستور انجام گردید قطعاً باین نتیجه می‌رسیم که شاید این ترک رابطه شتاب آمیز بتواند عامل موثری در پناه دادن شاه سابق بحساب بیاید.



در دنیای امروز که اعلام حالت جنگ بین دو دولت کمتر صورت عمل بخود میگیرد ترک رابطه از خشن‌ترین و حادثه‌ترین مرحله در روابط دیپلماتی میان دو دولت است و بعقیده ناظران آگاه شاید بهتر بود که عدم رضایت دولت و ملت ایران از سازش مصر و اسرائیل در حدی معتدل ترابراز میگردید و در این حالت که امیدوام رابطه وجود داشت شاید مصریها باین زودی چادر را یکشاخ نمیانداختند که لایحه پناهندگی شاه سابق را تصویب کنند در توضیح این مطلب اظهار نظر شده است که بهتر بود اول رابطه را بجای مبادله سفیر کبیر بحالت ارتباط در سطح کاردار تنزل میدادیم و در نتیجه در شرایط فعلی کمی با حزم گام بر میداشتیم و ناگزیر نبودیم که ناگهان دفتر فلسطین را در خوزستان افتتاح کنیم و بعد از آنها بخواییم که دفترشان را تعطیل کنند - خلاصه کلام آنکه سیاست برادر دوقلوی احتیاط و تدبیر است و با شتاب هیچگونه نسبتی ندارد.

خدمت به ضدانقلاب و دشمنی با اسلام!

درد آور و مایه‌ی بسی رسوائی و ننگ است که گروهی ندانسته آلت دست عواملی شناخته شده قرار میگیرند، تا به جای اینکه چهره زیبای انقلاب و جمهوری اسلامیان را، با ایثار و فروتنی و چشم پوشی از جاه طلبی‌ها به گونه‌ای هرچه زیباتر بیارایند، به اغراض فرصت طلبانه و انحصار جوییها و کوتاه نظریها به شیوه رستاخیزی و آریامهری می‌آلایند.



شگفت‌تر آنکه در این رویدادهای پیش ساخته‌ننگین از شعارهای مبتذل و جریبه‌های کهنه و زنگ زده " ساواکی، توده‌ای، جیره خور شوروی " و امثال آن، برای پرهم زدن نظم در سخنرانیها و اجتماعات، به کار گرفته میشود. نمونه بارز این رسوائی، ایجاد وحشت و اجتلال نظم، در عصر روز ۲۹ تیر بر سر مزار زنده‌یاد شهید دکتر حسین فاطمی بود که از قرائت چکامه‌زیر که بوسیله‌ی سراینده‌آن خوانده میشد و تجلیلی بود از روح شهدای سی‌ام تیر با راه انداختن دسته‌های کدائی جلوگیری بعمل آمد و عصر روز ۳۰ تیر نیز در میدان بهارستان از خواندن اطلاعیه جنبه ملی بوسیله سخنگوی جنبه؟

آیا اجرای این برنامه‌ها، در لباس انقلاب اسلامی، خدمت به ضد انقلاب و دشمنی با اسلام نیست؟!

اسمیه مدیران مدارس عالی خصوصی

پس از انقلاب و تشکیل دولت موقت جمهوری - اسلامی همه کسانی که به تصور خود از رژیم طاغوت متضرر بودند به بیان شکایت و دادخواهی پرداختند منجمله مدیران مدارس عالی خصوصی بودند که معتقد بودند دستگاه استبداد بدون دلیل مدارس آنها را از دستشان گرفته است. آقایان بطور دسته‌جمعی به دیدار آقای دکتر شریعتمداری وزیر علوم رفتند و ضمن بیان شکایت



از عروۀ الوثقی سید جمال الدین اسدآبادی

شناخت روشهای استعماری دول بزرگ

گرچه ناموس عدالتی که بجهان هستی حکومت میکند کم کرده‌های نیرنگ و تزویر دول استعمارگر را بالا زده و ماهیت آنها را بجهانیا معرفی میکند. لکن بهتر است برای شناخت کامل بازیهای سیاسی و اقتصادی و نظامی دول بظاهر طرفدار حقوق بشر و اصالت فردی از مبارز شجاع و دانشمند بزرگ سید جمال اسدآبادی الهام بگیریم. زیرا بجز آن میتوان گفت آن شادروان نخستین مبارز سلحشوری بود که در اوج قدرت استعمار با دول استعمارگر بمبارزه برخاست و با مسافرتهای متوالی بکشورهای اسلامی و نطقهای آتشین بدو مستحکم استعمار نفوذ کرده رفتار و کردار استعمارگران را با کشورهای مسلمان و غیر مسلمان آسیا برملا ساخت و بویژه با انتشار (عروۀ الوثقی) همه جنابیتهای غیر انسانی آنها را بجهانیا شناساند. پس بهتر است ما هم با استناد بهنام کتاب روشهای استعماری دولی که با دست یافتن به نیروی صنعتی و اقتصادی و استفاده از یکمشت زمامداران تالایی و سر سپرده استقلال و فرهنگ و وحدت کشورهای کوچک را بر باد دادند بیان کنیم.

غرب از دیرزمانی روشهای استعماری خود را روی مبادی و موازین علمی دقیقی بنهاده که عاری از هرگونه اصول شرافت و اخلاق میباشد - و حتی آن روشها بحدی از موازین انسانیت که معیار و مقیاس زندگی جوامع بشری محسوب میشوند دور است که گاهی بعضی از دانشمندان منصف آن کشورها می‌شوند دور است که روشها را برخلاف شعور انسانی معرفی کرده‌اند. چنانکه (لثو - پولد فایس) دانشمند شرق شناس اروپائی در کتاب (اسلام در راههای نقره) فصلی تحت عنوان (سایه جنگهای صلیبی) باز کرده در آن چنین مینویسد (یونانیها و رومیان قدیم هر کدام خود را تمدن تراز دیگری میدانستند و بهمه ملت‌های بیگانه بویژه ملی که در بخش شرقی (مدیترانه) زندگی میکردند (بربرها) میگفتند یا خطر تحقیر می‌نگریستند. و از همان زمان عقیده داشتند که برتری آنان بملل غیر اروپائی از هر قوم و ملتی که باشند یک امر حتمی و ضروری است. احساس حقارت از طرف دول ملتروم و یونان نسبت بملل غیر اروپائی یکی از امتیازات بارز تمدن آن روز غرب بشمار میرفت.

این تصور ذهنی (کوچک شمردن بیگانگان) که در اعماق روح اروپائی بوجود آمد و نظریه بلند پروازی و کبر از آن ناشی شد سبب گردید که اروپائیان نژادهای غیر اروپائی را در هر منطقه



مدیر و نویسندگان پرخاش تاج گل نثار آرامگاه شهدای سی‌ام تیر میکنند.

مدیر مجله و آهن فروش شهرک غرب

در دوران ترک تازی روحانی و عزت فراوان شهرک غرب که خلق اله برای خرید قطعه زمینی هزاران واسطه می‌تراشیدند قهراً " بازار ساختمان در آنجا داغ بود و در نتیجه چندتن از آهن فروشان وارد بمسائل روز از قبیل آقایان هانم آهنچیان - یزدان پناه یک قاضی دادگستری را بکمک گرفتند و شرکتی برای فروش آهن تدارک دیدند برای گرفتن محل مناسب با اجاره کم مدیر یک مجله شناسی راهم شریک کردند و یک انبار بسیار مجلل با اجاره‌ای ناچیز برای آهن فروشی در شهرک غرب در اختیارشان گذاشته شد و حضرات سبیلی چرب کردند گفته شد آقای مدیر روزنامه که امید ایران بایشان بسته شده است بابت سهم در این کار فقط لطف مهندس روحانی را سرمایه کرده‌اند.



برای صنایع فکر اساسی بکنید

دو هفته پیش خبری داشتیم که بعلت نبودن وسیله ساختن در بطری کارخانه دوق آبعلی تعطیل شده است و درست در آستانه دروازه تمدن بزرگ شاهنشاهی!! صنایع پرطمطراق قادر بساختن در بطری نیستند اینک بقرار اطلاع کلیه کارخانجات مواد غذایی که کنسرو و کمپوت میساخته‌اند و کلیه کارخانجاتی که احتیاج بقوطی دارند بعلت نبودن ورق در کشور تعطیل شده‌اند در توضیح این خبر باید توجه شود که تعطیل این کارخانجات باعث از بین رفتن محصول میوه اضافی و محصولات از قبیل گوجه فرنگی خواهد بود ضرورت دارد که وزارت صنایع و معادن مهرسکوت را بشکند و برای راه افتادن این تاسیسات که میتواند وسیله ذخیره مواد غذایی باشند فکری اساسی بکند.

